

پایه

- الزامات و بایسته های پویایی نسل جوان
- مقاله: فرهنگ انتظار
- نگاهی به کتاب حکومت جهانی مهدی
- آشنایی با دارالشفای حضرت مهدی (عج) مسجد مقدس جمکران
- معارف اسلامی "آشنایی با انحرافات بهائیت"
- احکام مرتبط با ولایت فقیه

پرونده ویژه: جریان شناسی فرقه ضاله بهائیت

برای این که دنیایی داشته باشیم که در آن همه انسانها زیر یک پرچم گرد آیند، سلاحهای وحشتناک از جهان برچیده شود؛ طبقات به مفهوم استعمارگر و استعمار شونده از میان برود؛ کشمکشها و بازیهای خطرناک سیاسی و نظامی ابرقدرتها برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود آمادگی عمومی لازم دارد.

حکومتی مهم

عجل التجالی محمد شفیع

گردآوری از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)
آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی





ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلغ
سال دوم | شماره پنجم | خرداد ماه ۱۳۹۵

- ۲ فهرست
- ۳ طلیعه سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۶ دیدارها
- ۸ درس خارج فقه
- ۱۰ فن آوری اطلاعات
- ۱۲ یادداشت
- ۲۴ پرونده ویژه
- ۲۸ مقاله
- ۲۸ معرفی کتاب
- ۲۹ موسسات وابسته
- ۴۰ معارف اسلامی
- ۴۴ سؤالات شرعی
- ۴۶ ده یادآوری معظم له به رئیس جمهور

MAKAREM.IR



صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
فایلر: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴

طلیعه سخن

در آستانه میلاد سراسر خیر و برکت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار داریم و عطر دلربای منجی عالم بشریت فضای کشور را عطر آگین نموده است. لذا همه عاشقان آن حضرت، جشن های نیمه شعبان را با شکوه و عظمت فراوان در اقصی نقاط کشور برگزار می کنند.

لیکن باید دانست نگاه حد اقلی به مفهوم انتظار از جمله آسیب هایی است که باید از آن حذر کرد، بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان به دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود ما در برابر قیام ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداریم بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام کنیم. انجمن منحلّه حجتیه به عنوان سردمدار این نوع تفکر در جامعه شناخته می شود.

بنابراین باید گفت این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می داند. بنیان گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (قدس سره) در نقد این دیدگاه فرموده اند: «ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم ها و جور ها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی توانیم. حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عالم را پر می کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیف تان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.» ایشان همچنین در ادامه بیانات خود فرموده اند: «آیا ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!» [۱]

لذا اینگونه است که حضرت آیت الله العظمی

مکارم شیرازی در تبیین ضرورت مقابله با خرافات در مسائل مهدویت فرمودند: «مسائل مهدویت، غیر از مدعیان کاذب، آمیخته با خرافاتی نیز شده و جداسازی خرافات کار آسانی نیست، زیرا برخی به این خرافات دل بسته اند و با آن فکرها زندگی می کنند» [۲]

هم چنین باید گفت برپائی جشن های نیمه شعبان و پذیرائی از مردم و بذل شادی و نشاط در بین مردم امری لازم و ضروری است، لیکن کافی نیست، به تعبیر مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی «باید بکوشیم در سلک یارانش در آییم، به تشریفات عید میلادش قناعت نکنیم و به کارهایی بیندیشیم که ما را با برنامه های او هماهنگ می سازد، از آمیختن مراسم میلاد مبارکش با خرافات و کارهای وهن آور بپرهیزیم» [۳].

زیرا فقدان تبیین معارف ناب مهدوی به عنوان حلقه مفقوده در بین عوام جامعه مطرح است که نقش نهاد حوزه و دانشگاه در راستای عمق بخشی و سیاستگذاری معارف دینی من جمله تبیین مفهوم انتظار و مفهوم مهدویت غیر قابل انکار است.

از این رو ضرورت تبیین آموزه های مهدویت در عرصه های اجتماعی امری انکار ناپذیر است، لیکن متأسفانه تئوری مهدویت و آموزه های مرتبط با امر ظهور در جامعه بازتولید نشده است که به تبع آن تحقق مقوله عدالت و پیشرفت در نظام اسلامی دچار چالش های فراوان شده است، که وجود این آسیب به نوبه خود به عنوان مهمترین پاشنه آشیل رکود تولید علوم اسلامی و انسانی در حوزه و دانشگاه در مقوله عدالت و پیشرفت به شمار می آید.

گفتنی است بازتولید معارف و آموزه های مهدوی نیازمند سیاستگذاری صحیح و مطلوب از سوی نهادهای موثر در امر سیاستگذاری مولفه های فرهنگی از قبیل حوزه، دانشگاه، شورای عالی انقلاب فرهنگی و رسانه ملی و دیگر نهادهای فرهنگی است. اما به راستی کدام یک از نهادهای مسئول

در راستای بازتولید معارف مهدوی در عرصه های علوم اسلامی ایرانی اقدام موثری از خود بروز دادند؟ در پاسخ باید گفت واقعیت این است که هیچ یک از نهادهای مرتبط با امر سیاستگذاری فرهنگی نتوانستند در این امر موفق عمل نمایند، به عنوان نمونه رسانه ملی با پرداخت ضعیف به موضوعات مذهبی و دینی به ویژه موضوع ظهور منجی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عمل با برجسته سازی برخی شاخصه های ظاهری از امر انتظار و آموزه های مهدوی در واقع بازتولید معارف مهدوی را به فراموشی نهاد و اینچنین مخاطبان فهیم خود را در فقر نرم افزاری از مولفه های مهدوی قرار داد.

هم چنین پرداخت ضعیف و تأمل برانگیز نهادهایی از قبیل حوزه و دانشگاه در امر بازتولید معارف مهدوی غیر قابل انکار است، لذا کرسی تدریس معارف مهدوی در سطوح عالی حوزه به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی رسد، نهاد علمی دانشگاه نیز با غفلت از موضوعات دینی و اسلامی در واقع به عنوان حلقه مکمل این پروسه نادرست مورد نظر می باشد.

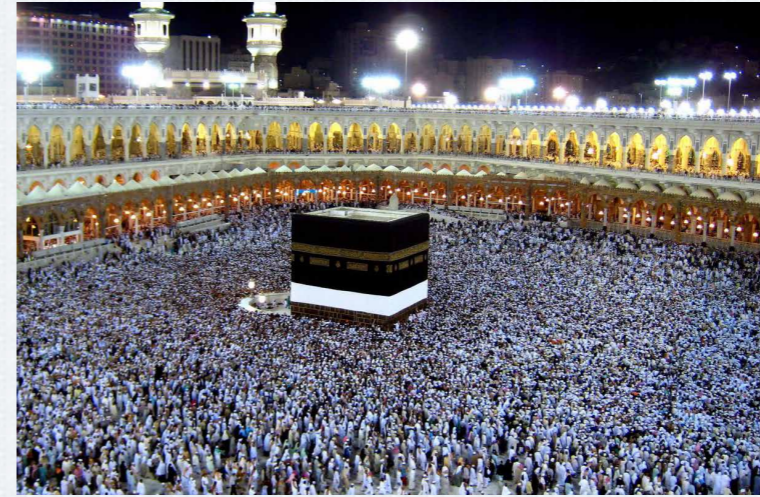
بنابراین آثار رویکرد ضعیف و انفعالی نهادهای سیاستگذار و پرداختن سطحی به موضوع انتظار و آموزه های مهدوی به ویژه در شهرهای مذهبی به وضوح قابل رؤیت است زیرا متولیان فرهنگی نظام اسلامی در مقوله بازتولید معارف مهدوی و تولید علوم اسلامی انسانی از این معارف بی پایان در خواب سنگین زمستانی به سر می برند.

امید است سیاست گذاران فرهنگی کشور در راستای بازتولید گزاره های مرتبط با امر انتظار و انتقال فرهنگ مهدویت و حاکم کردن آن در نظام عقلانیت جهانی، و نیز ورود این معارف بی بدیل اسلامی در مقوله سبک زندگی اسلامی و به ویژه تمدن سازی نوین اسلامی اقدام نمایند.

[۱] (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷-۱۳)

[۲] makarem.ir

[۳] همان.



پیام‌ها و بیانات

بیانیه معظم له در رابطه با مسأله مهم حج

باید مسائل مربوط به حرمین شریفین روزی به طور کامل حل شود و آن در صورتی خواهد بود که گروهی از زبده ترین آگاهان نسبت به مسائل حج از سوی سازمان همکاری اسلامی برای نظارت بر امر حرمین شریفین انتخاب شوند که عربستان سعودی نیز می‌تواند عضوی از آن باشد

۱۳۹۵/۰۲/۰۸

اعتماد مردم سرمایه نظام است

امیدواریم همه سعی کنند کارها و تلاش‌های شان در مسیر خدمت به مردم باشد، اگر این باشد بسیاری از اختلافات و نزاع‌ها برچیده و خاموش می‌شود

۱۳۹۵/۰۲/۲۲

حل مشکلات اقتصادی و بیکاری بدون اصلاح نظام بانکی ممکن نیست

بخش قابل توجهی از مطالبات بانک‌های ما از سرمایه داران کلان است، تسهیلات در اختیار گردن کلفت‌ها قرار می‌گیرد و واحدهای کوچک دادشان به جایی نمی‌رسد، نباید این طور باشد، باید نظام و سیستم بانکی در اختیار توده مردم باشد تا کار و تولید رونق گیرد

۱۳۹۵/۰۲/۲۵

اعتراض شدید به یک خلاف آشکار

در طول تاریخ حیات منفور بهائیت، همواره دشمنان اسلام به عنوان یک ابزار از آنها استفاده کرده و می‌کنند و ممکن است این گونه کارها مقدمه ای برای به رسمیت شناختن آنها باشد

۱۳۹۵/۰۲/۲۷

دیدارها



جشن میلاد امیر المؤمنین علی علیه السلام و مراسم عمامه گذاری توسط معظم له



معظم له در دیدار با وزیر ارشاد: باید از حج امسال صرف نظر کنیم



حجت الاسلام و المسلمین رئیسی تولیت آستان قدس رضوی



رئیس دانشگاه واتیکان ، فرانسه



معظم له در دیدار رئیس شورای هماهنگی بانک ها: سیستم بانکی کشور باید کاملاً شرعی و در خدمت مردم باشد

باید در این تشکیلات آسیب شناسی وجود داشته باشد تا مشکلات را بررسی کند، مشکلات باید بررسی شده و برطرف شود؛ سودهای ۲۸ درصد و ۳۵ درصد مشکل دارد و باید جلوی آن ها گرفته شود
۱۳۹۵/۰۲/۲۲



معظم له در دیدار با اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر: دشمن در صدد است جمهوری اسلامی را تضعیف کند

بسیاری از رؤسای کشورهای جهان دستشان به مواد مخدر آلوده شده است و به همین دلیل نه تنها با کشور ما برای مبارزه با مواد مخدر همکاری نمیکنند بلکه با کارهای ما نیز مخالفند و سعی دارند در راه مبارزه کشور علیه مواد مخدر خدشه وارد کنند
۱۳۹۵/۰۲/۰۹



یادآوری های معظم له به رئیس جمهور محترم:

در مقابل زیاده خواهی های آمریکا باید محکم ایستاد

مردم در نامه ها و ملاقات های خود با ما نگرانی هایی دارند که من میل دارم ده مورد آن را برای جنابعالی منعکس کنم تا ان شاءالله روی آن تأکید بیشتری داشته باشید/معظم له مدارک مستندی را در اختیار رئیس جمهور قرار دادند تا دستور دهند مورد بررسی اکید واقع شود
۱۳۹۵/۰۲/۳۱



معظم له در دیدار محمدرضا عارف:

مردم باید آثار آمارهایی که ارائه می شود را در زندگی خود ببینند

تنگ نظری در مسائل جناحی ممکن است بزرگترین خسارت را برای ما به بار آورد و نمایندگان و جناح ها باید ابتدا خداوند متعال و سپس مردم را در نظر داشته باشند؛ در سایه این نظر همه مشکلات درست می شود؛ در حدیثی آمده است که کسی که بین خود و خدا را اصلاح کند، خدا بین او و مردم را اصلاح می کند
۱۳۹۵/۰۲/۲۰



آیت الله آملی لاریجانی



نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در عراق



دانشگاه معارف قرآن و عترت



نمایندگان طلاب حوزه های علمیه

دروس خارج فقه



کتاب المضاربه - جلسه صد و هفدهم

موضوع: بحث اخلاقی: به مناسبت میلاد امیر مؤمنان علی علیه السلام روایتی در مورد فضائل آن حضرت مطرح می کنیم: خداوند در آیه ی ۵۵ سوره ی مائده می فرماید: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ** ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

کتاب المضاربه - جلسه صد و هجدهم

موضوع: مضاربه در قالب جعاله بحث در مسأله ی چهل و هشتم از مسائل مربوط به مضاربه است. ۱۳۹۵/۰۲/۰۵

کتاب المضاربه - جلسه صد و نوزدهم

موضوع: مضاربه به شکل شرط نتیجه و مضاربه در مال صغیر بحث در مسأله ی چهل و هشتم از مسائل مربوط به مضاربه است و آن را تمام کردیم. ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیستم

موضوع: مضاربه ی ولی با مال یتیم بحث در مسأله ی چهل و نهم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله حاوی سه فرع است و فرع اول این است که اگر فرزند مالی داشته باشد ولی او مانند پدر و جد می توانند با اموال او مضاربه کنند و اگر سودی حاصل شود سهمی برای صغیر در نظر بگیرند. ۱۳۹۵/۰۲/۰۷

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و یکم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: **أَبَى اللَّهُ أَنْ يَقْبَلَ عَمَلُ صَاحِبِ بَدْعَةٍ حَتَّى يَدَعَ بَدْعَتَهُ.**

یعنی خداوند اعمال کسانی که بدعت گذار هستند را نخواهد پذیرفت مگر اینکه بدعت خود را ترک کنند. ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و دوم

موضوع: وجود مصلحت در تصرف در مال صغیر بحث ما در مسأله ی چهل و نهم از مسائل مربوط به مضاربه است. بحث به اینجا رسید که آیا ولی صغیر می تواند با اموال صغیر مضاربه کند و اینکه آیا باید مصلحت را رعایت کند و یا اینکه صرف عدم المفسده کافی است. ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و سوم

موضوع: تصرف در مال فرزند در صورت مصلحت بحث در این است که آیا ولایت پدر و جد بر اموال صغیر مشروط به مصلحت است یا اینکه عدم المفسده کافی می باشد و یا اینکه حتی ضرر زدن به صغیر به نفع ولی هم جایز می باشد. ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و چهارم

موضوع: تصرف پدر در مال فرزند و صورت فوت عامل بحث در این بود که آیا تصرف در مال صغیر مشروط به مصلحت است یا عدم المفسده یا هیچ کدام. ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و پنجم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: **أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ مَنْ كَانَ ثَوْبَاهُ خَيْرًا مِنْ عَمَلِهِ: أَنْ تَكُونَ ثِيَابَهُ ثِيَابَ الْأَنْبِيَاءِ وَعَمَلُهُ عَمَلُ الْجَبَّارِينَ.** چون معمولاً هر انسانی دو لباس می پوشد یکی لباس زیر و یکی لباس رو از این رو در حدیث فوق به دو لباس تعبیر شده است. بر اساس حدیث فوق مبعوض ترین افراد کسی است که ظاهر و باطن او با هم متفاوت باشد و ظاهر او مسلمان و ثقة و امین و پاکدامن باشد ولی

در باطن به آلودگی های مختلفی مبتلا باشد. این همان شخص منافق است که دو شخصیت دارد. ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و ششم

موضوع: مخلوط شدن مال مالک با عامل بحث در مسأله ی پنجاهم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله در مورد این است که عامل فوت می کند و مال مالک با اموال او مخلوط شده است. سخن در این است که راه جداسازی این دو از هم چگونه است. ۱۳۹۵/۰۲/۱۸

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و هفتم

موضوع: فوت عامل بحث در مسأله ی پنجاهم از مسائل مربوط به مضاربه است. این مسأله شش فرع دارد و علاوه بر مضاربه در سایر ابواب فقهی نیز قابل تسری است. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و هشتم

موضوع: فوت عامل در مضاربه بحث در فرع پنجم از مسأله ی پنجاهم از مسائل مربوط به مضاربه است. ۱۳۹۵/۰۲/۲۰

کتاب المضاربه - جلسه صد و بیست و نهم

موضوع: بحث اخلاقی: به مناسبت میلاد با سعادت قمر بنی هاشم حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام می گوییم که اگر کسی بخواهد از مقامات معنوی ایشان باخبر شود می توان به زیارتنامه ی ایشان نظر بیفکند که در آن آمده است: **سَلامُ اللهِ وَ سَلامُ ملائکته المقربین وَ انبیائه المرسلین وَ عباده الصالحین فیما تغتدی وَ تروح (هر صبح و شام) علیک یابن امیر المؤمنین.** متن زیارتنامه ها بی حساب و کتاب نیست و این نشان دهنده ی مقامات برجسته ی آن حضرت می باشد

که چنین زیارتنامه ای از معصومین درباره ی او به ما رسیده است. ۱۳۹۵/۰۲/۲۲

کتاب المضاربه - جلسه صد و سی

موضوع: وصیت به مضاربه در مال صغار در بحث مضاربه مسائلی که امام قدس سره در تحریر الوسیله در ضمن پنجاه مسأله بیان کرده بودند را بحث کردیم. با این حال چند مسأله ی مهم در عروة الوثقی باقی مانده است و مشخص نیست چرا امام قدس سره آنها را مطرح نفرموده است. ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

عنوان : کتاب المضاربه - جلسه صد و سی و یک

موضوع: وصیت به مضاربه بحث در مسأله ی دهم از مسائل متفرقه ی مضاربه در عروة الوثقی است. ۱۳۹۵/۰۲/۲۶

عنوان : کتاب المضاربه - جلسه صد و سی و دو

موضوع: وصیت به مضاربه در اموال کبار بحث در مسأله ی دهم از مسائل متفرقه ی عروة الوثقی در مورد مضاربه است. این مسأله حاوی هفت فرع است که سه فرع آن را بررسی کرده ایم ۱۳۹۵/۰۲/۲۷

کتاب المضاربه - جلسه صد و سی و سه

موضوع: وصیت به اتجار بحث در مسأله ی دهم از مسائل متفرقه ی عروة الوثقی در مورد مضاربه است. این مسأله که مربوط به وصیت در مورد مضاربه است حاوی هفت فرع است که پنج فرع آن را بررسی کرده ایم ۱۳۹۵/۰۲/۲۸

رونمایی از چهار کتاب چند رسانه ایی

ویژگی های کتاب چند رسانه ای:

این لوح فشرده (cd) نیاز به نصب ندارد و به صورت خودکار (autorun) اجرا می شود. قابلیت اجرای نرم افزار بر روی انواع سیستم های عامل بدون نیاز به پردازشگر قوی و خاص دم نیاز به نصب فونت خاص و پشتیبانی از هر گونه فونت، عکس و صوت در نرم افزار اجرای صوت کتاب به صورت فهرست بندی در تراک های مجزا (در پخش خودرو، گوشی همراه و ...) دسترسی کامل به متن Word کتاب برای فیش برداری، تحقیق و پژوهش



غایت شناسی بعثت از منظر معظم له

در وهله نخست باید گفت خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هنگامی فرستاد که مدت‌ها از بعثت پیامبر پیشین گذشته بود، و (لذا) امته‌ها در خواب عمیقی فرو رفته، وفتنه‌ها مردم را هدف گرفته بود؛ در زمانی که اعمال خلاف در میان مردم منتشر بود، و آتش جنگها زبانه می کشید؛ دنیایی بی نور و پر از مکر و غرور بود. بنابراین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با بعثت خود پرده جهالت راه، که سراسر عالم را فرا گرفته بود، پاره کرد. اینگونه است که خداوند متعال در قرآن به ابعاد مختلف بعثت انبیاء و نزول آئین های آسمانی اشاره نمود، و برای تشویق مردم به پیروی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اوصافی برای او ذکر می کند؛ از جمله اینکه: آنها را به نیکی ها دعوت می کند؛ از زشتی ها باز می دارد؛ آنچه پاکیزه است برای آنها حلال می شمرد، و آنچه خبیث و پلید است برای آنها تحریم می کند تا آنجا که می گوید: پیامبر بارهای سنگین را از دوش آنها فرو می گذارد، و غل و زنجیرهایی که بر آنها بوده بر می گیرد وَبَصَّعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

مسلمانها اینها اموری است سرنوشت ساز و با مسأله تکامل انسان و سود و زیان او رابطه فوق العاده نزدیک دارد؛ حتی احتمال آن کافی است که آدمی را به تحقیق وادارد.

تهذیب نفوس؛ تزکیه قلوب؛ تکمیل ارزشهای اخلاقی

بی شک رسالت انبیا تربیت انسان‌ها بوده است و در این راه مرارت‌ها و رنج های فراوانی برده اند. کاروان سالار این قافله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق دانسته است. لذا تهذیب نفوس و تزکیه قلوب و تکمیل مکارم اخلاق به عنوان یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) در کتاب آسمانی ما قرآن و روایات اسلامی شمرده شده است، و پیشوایان اسلام و بزرگان دین قسمت عمده عمر پربرکت خود را وقف این کار کردند. تمام اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می شود.

از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد بعثت خویش می فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام، و در تعبیر دیگری: انما بعثت لاتمم حسن الاخلاق آمده است. و در تعبیر دیگری: بعثت بمکارم الاخلاق و محاسن ها آمده است.

تعبیر به انما که به اصطلاح برای حصر است نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می شود.

طبق این حدیث پر معنا، هدف از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تکمیل فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی است. برآستی اگر اخلاق اسلامی تا این درجه از اهمیت است، باید برای پیاده کردن آن در وجود خویش و جامعه تلاشی مضاعف انجام داد.

هم چنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایت دیگری فرمود: اول ما یوضع فی میزان العبد یوم القیامه حسن خلقه؛ نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی سنجش اعمال می گذارند، اخلاق خوب انسانهاست. طبق این حدیث خلق و

خوی خوش آن قدر مهم است که در روز قیامت حتی قبل از نماز و روزه و جهاد و خمس و زکات مورد سنجش قرار می گیرد.

هم چنین تزکیه نفس در آیات متعددی از قرآن مطرح شده، تا آنجا که در برخی از آیات به عنوان هدف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معرفی شده است. به همین جهت در آیه دوم سوره جمعه می خوانیم: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ او (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، که آیاتش را بر آنها می خواند، و آنها را تزکیه می کند، و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد، و مسلما پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

تزکیه معنی وسیعی دارد که هم پاکسازی روح از آلودگی شرک، و هم پاکسازی نفس از اخلاق رذیله، و هم پاکسازی عمل از محرّمات و هرگونه ربا، و هم پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا را شامل می شود. اینگونه است که یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تزکیه نفوس و تربیت انسانها و پرورش اخلاق حسنه بوده است؛ حتی می توان گفت تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت مقدمه ای است برای مسأله تزکیه نفوس و تربیت انسانها؛ همان چیزی که هدف اصلی علم اخلاق را تشکیل می دهد.

شاید به همین دلیل تزکیه در آیات قرآن کریم بر تعلیم پیشی گرفته است، چرا که هدف اصلی و نهائی تزکیه است هرچند در عمل تعلیم مقدم بر آن می باشد.

تعلیم و تربیت؛ شاخصه بنیادین در بعثت نبوی

بدیهی است هدف بعثت انبیاء تعلیم و تربیت است، به این ترتیب تکامل وجود

انسان در جنبه های علمی و عملی به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر، معرفی شده است. زیرا نیمی از شخصیت ما را عقل و خرد تشکیل می دهد و نیمی را غرائز و امیال، به همین دلیل ما به همان اندازه که نیاز به تعلیم داریم، نیاز به تربیت هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرائز درونی ما به سوی هدف صحیحی رهبری شوند. لذا پیامبران هم معلمند، هم مربی، هم آموزش دهنده اند و هم پرورش دهنده.

در تبیین ضرورت این مسأله در بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) باید گفت؛ این نکته مخصوصا قابل توجه است که علوم بشر محدود است، و آمیخته با هزاران نقطه ابهام و خطاهای فراوان، و از این گذشته نسبت به آنچه را هم می داند گاهی نمی تواند دقیقا امیدوار باشد چرا که خطاهای خود و دیگران را دیده است. اینجا است که باید پیامبران، با علوم راستین و خالی از هر گونه خطا که از مبداء وحی گرفته اند به میان مردم بیابند، خطاهایشان را بر طرف سازند، آنجا را که نمی دانند به آنها بیاموزند و آن را که می دانند به آنها اطمینان خاطر دهند.

در سوی دیگر تعلیم با قلم (سوادآموزی) از صفات خدا شمرده شده: الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ و از روز خلقت آدم تعلیم اسما (آگاهی بخشی نسبت به اسرار جهان هستی) همراه او بلکه سند افتخار و برتری او بر فرشتگان بوده است: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا و از اهداف بعثت پیامبر اسلام آموزش مردم شمرده شده: وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از اهداف بعثت خود را آموختن مردم می داند: وَبِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ.

علم آموزی به اندازه‌ای در اسلام اهمیت دارد که طبق حدیث معروف که به عنوان شعاری اسلامی درآمده فریضه ای بر مرد و زن مسلمان به حساب می آید: طلب العلم فریضه علی کل مسلم ومسلمه

لذا خداوند در موضوع بعثت پیامبر گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله به برنامه تعلیم و تربیت او اشاره کرده، و می فرماید: این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است (ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ).

بنابراین در قرآن کریم مسأله بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و هدف از این رسالت بزرگ که در ارتباط با عزیز و حکیم و قدوس بودن خداوند است اینگونه ذکر شده است: او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ).

گفتنی است يتلوا از ماده تلاوت در لغت به معنی پی در پی آوردن چیزی است و هنگامی که عباراتی را پشت سر هم و روی نظام صحیحی بخوانند، عرب از آن تعبیر به تلاوت می کند، بنابراین تلاوت منظم و پی در پی مقدمه ای است برای بیداری و ایجاد آمادگی، برای تعلیم و تربیت.

از این رو این تعبیر دلیلی بر نبوت خاصه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛ لذا می خوانیم: خدا آن کسی است که چنین پیامبری را با این ویژگی ها که جز به نیروی الله ممکن، نیست مبعوث کرد، هو الذی بعث ... و نیز می گوید. پیامبر آن کسی است که از میان امیین برخاست، گروهی که همه بی سواد بودند و با این که نگار من به مکتب نرفته بود و خط ننوشته بود، مساله آموز صدها و هزاران مدرس شد، و چنان علم و حکمتی به پیروان خود آموخت که پس از مدت کوتاهی از میان آنها عالمان بزرگ برخاستند و تمدنی عظیم و درخشان بنیان نهادند.

بنابراین هم هدف آفرینش جهان، پیشرفت علم و دانش بوده است هم هدف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گسترش علم و حکمت، و پرورش نفوس می باشد.

که این هدف بزرگ و متعالی یعنی تعلیم و تربیت و آموزش حکمت، در دعای

ابراهیم خلیل علیه السلام برای این امت آمده است؛ آنجا که از خداوند تقاضا می کند و می گوید: پروردگارا در میان آنها (امت اسلام) پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنها بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قادری) رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

آری؛ این است تقاضای ابراهیم از خدا درباره امت بزرگ اسلامی و پیروان محمد صلی الله علیه و آله و سلم که هدف بعثت این پیامبر بزرگ (و سایر پیامبران) را در آن با کمال وضوح بیان کرده است.

لیکن درست است که هدف نهایی از تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت همان تزکیه و پاک‌سازی روح و جسم و فرد و جامعه است؛ و آموختن کتاب و حکمت جنبه طریقی نسبت به تزکیه دارد و مقدمه‌ای برای آن محسوب می شود؛ ولی به خاطر اهمیت تزکیه، بر تعلیم کتاب و حکمت مقدم شده است.

حصول علم و حکمت در گرو تشکیل حکومت اسلامی

بدیهی است برای وصول به تعلیم و تربیت، راهی جز استفاده از اهرم حکومت نیست، زیرا چگونه ممکن است مسأله تعلیم و تربیت بدون یک شبکه وسیع آموزشی که برنامه ریزی از آن ناحیه حکومت انجام می شود و از طریق بیت المال تغذیه می گردد، و جهت اصلی آن انسان‌سازی و تهذیب اخلاق و تزکیه نفوس و پیشرفت علم و فرهنگ است و بدون اتکای به یک حکومت نیرومند و صالح پیاده شود!

اصولا تمام آیات و روایاتی که هدف بعثت انبیاء را به عنوان تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس و اقامه قسط در میان مردم ذکر می کند، در واقع اهداف تشکیل حکومت های الهی را نیز بیان می کند زیرا حکومت‌های الهی مقدمه و ابزاری هستند برای تأمین اهداف بعثت انبیاء.

نخستین کاری که پیامبر اسلام صلی الله

علیه و آله بعد از هجرت به مدینه انجام داد تشکیل حکومت اسلامی بود. او به خوبی می دانست اهداف نبوت و بعثت انبیاء یعنی: تعلیم و تربیت، و اقامه قسط و عدل و سعادت و تعالی انسان، بدون تشکیل حکومت ممکن نیست؛ به همین دلیل در نخستین فرصت ممکن به فرمان خداوند پایه های حکومت را بنا نهاد.

لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موظف شده است جهت گیری برنامه های خود را براساس وصول به این دو هدف بزرگ تعلیم و تربیت تنظیم کند. جالب این که در آیات قرآن گاه تعلیم بر تربیت مقدم داشته شده و گاه تربیت بر تعلیم اشاره به این که این هر دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ یعنی، پاره‌ای از مراحل، آگاهی سرچشمه پرورش های اخلاقی است، همانگونه که آمادگی های اخلاقی نیز سرچشمه حرکت به سوی آگاهی و شناخت صحیح و بدون پرده و حجاب است.

با این اوصاف بی شک قیام به عدل و قسط و عدالت اجتماعی و تحقق آزادی واقعی در سایه تعلیم و تربیت امکان پذیر است. انسان موجودی فرهنگی است و نفوذ در انسان از طریق نفوذ در فکر و فرهنگ او ممکن است و با زور نمی شود چیزی را بر او تحمیل کرد و تنها از راه تعلیم و تربیت است که فرهنگ انسان بالا می-رود، در غیر این صورت انسان وحشی و نیمه وحشی یا تربیت نیافته و جاهل نمی تواند معنای آزادی را بفهمد و اگر هم به او آزادی بدهند باعث بدبختی و بیچارگی او می شود.

هم چنین باید دانست علم بی عمل مخرب و زیانبار است و بر طبق روایات اسلامی، بوی تعفن عالم بی عمل جهنمیان را عذاب می دهد. از این رو بر همگان لازم است پیش از توصیه به دیگران، نفس خویش را تأدیب کنند و الگوی عملی برای دیگران باشند، چنانکه انبیا و اولیا بوده اند.

اقامه قسط و عدل

به یقین یکی از اهداف بعثت و ظهور

پیامبران الهی اجرای عدالت در جامعه انسانی است. لذا قرآن اقامه قسط و عدل را از اهداف بعثت انبیا می شمرد: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ این هدف به قدری مهم است که می توان آن را هدف اصلی یا از اهداف اصلی پیامبران علیهم السلام برشمرد. آری، تمام اولیا و انبیا و کتب آسمانی در مسیر اجرای عدالت گام برداشته اند.

زیرا پیشوایان عادل باید زندگی خود را بسیار ساده و با قشرهای محروم جامعه هماهنگ کنند تا هم به یاد آنها باشند و در طریق محرومیت زدایی گام بردارند و هم مایه تسلی خاطر برای قشر محروم گردند. دیگر اینکه در زمانی که مردم گرفتار بحران های اجتماعی می شوند و قشرهای ضعیف تحت فشار قرار می گیرند، باید به حداقل لازم قناعت کرد و بقیه را برای نجات محرومان گذاشت.

حال آیا انجام این هدف جز از طریق تشکیل حکومت ممکن است؟! آیا زورگویان جهان و قدرتهای اهریمنی را که تنها منافع خود را به رسمیت می شناسند جز با قدرت حکومت، می توان بر سر جای خود نشانند، و دست آنها را از گلولی مستضعفان کوتاه کرد؟

و به این ترتیب نقش اساسی پیامبران از نظر اجتماعی همان اقامه اصول عدل و داد می باشد. خداوند انبیاء را با وسایل مختلف از جمله کتاب آسمانی و معجزات فرستاد تا مردم را آن چنان تعلیم دهند که خودجوش، قیام به قسط و عدالت کنند و این همان چیزی است که جوامع بشری امروز از آن سخن می گویند، اما هرچه بیشتر دست و پا می زنند به جایی نمی رسند، زیرا راه را گم کرده اند و راه اقامه قسط راه انبیا است نه راه تمدن مادی و توسل به قوه نظامی.

هدایت انسانها از ظلمات به سوی نور

در آیات قرآن کریم هدف بعثت خارج ساختن مردم از ظلمت ها به سوی نور

برشمرده شده است؛ لذا خدا در قرآن می فرماید: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ این کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی های (شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان درآوری .

در حقیقت تمام اهداف بعثت پیغمبر در همین یک جمله خلاصه شده، خارج کردن از ظلمت ها به نور، و قابل توجه اینکه ظلمات به صیغه جمع و نور به صیغه مفرد ذکر شده، زیرا شرک و کفر و فساد، عامل پراکندگی و چندگانگی است، در حالی که ایمان و توحید و تقوا عامل وحدت و یگانگی می باشد.

و اما ضلال مبین (گمراهی آشکار) که در ذیل آیه ذکر شده است ، اشاره سر بسته و پرمعنایی است به عصر جاهلیت که گمراهی بر سراسر جامعه آنها حکمفرما بود، چه گمراهی از این بدتر و آشکارتر که: بتهایی را که از سنگ و چوب با دست خود می تراشیدند پرستش می کردند و در مشکلات خود به این موجودات بی شعور پناه می بردند.

دختران خود را با دست خویش زنده به گور می کردند، سهل است به این عمل فخر و مباهات نیز می کردند که نگذاریم ناموسمان دست بیگانگان بیفتد!

مراسم نماز و نیایش آنها کف زدن و سوت کشیدن در کنار خانه کعبه بود، و حتی زنان بصورت برهنه مادرزاد بر گرد خانه خدا طواف می کردند و آن را عبادت می شمردند! انواع خرافات و موهومات بر افکار آنها حاکم بود، و جنگ و خونریزی و غارتگری مایه مباهاتشان زن در میان آنها متاع بی ارزشی بود که حتی روی آن قمار می زدند! و از ساده ترین حقوق انسانی محروم بود، کینه ها و عداوتها را پدران به ارث به فرزندانشان منتقل می کردند، و به همین دلیل خونریزی و کشت و کشتار یک امر عادی محسوب می شد.

لیکن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد

و آنها را از این ضلال مبین به برکت کتاب و حکمت نجات داد، و تعلیم و تربیت نمود، و به راستی نفوذ در چنین جامعه گمراهی خود یکی از دلایل عظمت اسلام و معجزه آشکار پیامبر بزرگ ما است.

به این ترتیب یکی از اهداف بعثت، نجات انسان ها از تاریکی های فکری و عقیدتی و اخلاقی و عملی و حرکت به سوی نور و روشنایی حیات و زندگی است.

سخن آخر

در خاتمه باید اذعان نمود هدف بعثت انبیاء تنها پایان دادن به خصومت ها و اقامه قسط و عدالت اجتماعی نیست، بلکه همه اینها مقدمه ای برای پیمودن راه، و کمالات معنوی، و قرب الی الله است.

لذا کوتاه ترین و در عین حال جامع ترین تعبیری است که درباره دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دعوت همه انبیاء آمده است که هدف بعثت را، زندگی و حیات در تمام ابعادش می شمرد: حیات مادی، حیات معنوی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی و حیات اخلاقی و اجتماعی.

اگرچه در آیات قرآن حیات، گاه به معنای حیات گیاهی و گاه حیات حیوانی آمده ولی در این جا به معنای حیات انسانی است. مسلماً اینها اموری است سرنوشت ساز و با مسأله تکامل انسان و سود و زیان او رابطه فوق العاده نزدیک دارد؛ حتی احتمال آن کافی است که آدمی را به تحقیق وا دارد.

هم چنین نباید فراموش نمود حرکت ها و موضع گیری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ارتقای آینده و پیشرفت و نفوذ سریع اسلام در سایه آن حضرت، حاکی از این مسأله است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان منبع بزرگ عقلانیت و درایت مورد توجه است، لیکن دیوانه خفاشانی نیز وجود دارند که با نور این آفتاب به ستیز برخاستند. و البته در قیامت این حقایق باز هم روشنتر و آشکارتر خواهد بود.

الزامات و بایسته های پویایی نسل جوان از منظر معظم له

اسلامی را در افکار مسلمین، مخصوصاً نسل جوان ویران سازند، آنها در این راه از هر گونه وسیله و هر کس در لباسهای دانشمند، خاورشناس، مورخ، عالم علوم طبیعی، روزنامه نگار و حتی بازیگران سینما» استفاده می کنند.

لذا هدف دشمنان اسلام این است که می خواهند نسل جوان را از ما بگیرند، و نقشه دشمنان خارجی در این زمینه کاملاً حساب شده است زیرا هرگاه جامعه، مخصوصاً نسل جوان در امواج فساد غرق شود هرگونه مقاومت در برابر هجوم بیگانه درهم شکسته خواهد شد و راه برای سلطه آن ها هموار می گردد.

هم چنین محاسبه دشمنان داخلی نیز همین گونه است، آن ها بهترین راه برای براندازی نظام را بی تفاوتی مردم نسبت به دین و ارزش های دینی دیده اند.

حال آنکه جوانان حامیان انقلاب و مبارزان در مقابل دشمن هستند، اما دشمنان می خواهند اینها را از ما بگیرند، امروز دشمن در صدد سست کردن اعتقادات مذهبی جوانان در جامعه است. لذا ما باید در این خصوص هوشیار باشیم و قدر جوانان را بدانیم.

بنابراین باید این پرسش کلیدی را مطرح نمود که آیا وقت آن نرسیده است که برنامه دقیقی برای مبارزه با این تهاجم دشمنان تنظیم کنیم، این جانب از این بیمناکم که تجربه تلخ اندلس بار دیگر در کشور ما تکرار شود و مقاومت ها از میان برود و دشمن بر همه چیز مسلط گردد.

بدین ترتیب باید هشدار داد اگر دشمن در این زمینه موفق شود، دیگر چیزی از انقلاب و اسلام برای کشور باقی نمی ماند.

مدرنیته و تخریب مبانی اخلاقی جوانان

متأسفانه اخیراً حرکت تخریب مبانی اخلاقی و فساد جوانان دیده می شود که ممکن است این سیل بنیان کن همه چیز

را با خود ببرد، از گسترش مواد مخدر گرفته تا پخش امواج بسیار مستهجن و بدآموز به صورت رایگان یا بسیار ارزان، و فعال شدن سایت های بسیار بدآموز اینترنتی و ماهواره ها و مطبوعات طرفدار آن ها و مسئله بدحجابی که به سوی بی حجابی پیش می روند و تشکیل مجالس جشن عروسی به صورت زمان طاغوت یا بدتر از آن و حتی آلوده کردن بعضی از مجالس عزاداری با آهنگ های ترانه ها و مانند آن ، و مع الاسف فضا را به صورتی درآورده اند که امر به معروف و نهی از منکر عملاً در آن بسیار مشکل شده است و یک حالت انفعالی و مرعوبیت خطرناک جای آن را گرفته است.

حال اگر این جریان فقط اخلاق جامعه را هدف قرار می داد یک مصیبت بزرگ بود ولی مهم تر از آن این که قرائن و شواهد نشان می دهد که تمام این ها در راستای مذهب زدایی و عریان سازی از اعتقادات دینی و عقب زدن اسلام از متن جامعه است که یک فاجعه محسوب می شود.

به عنوان نمونه با توجه به افزایش استفاده جوانان از تلفن های همراه، وظیفه متولیان امر نسبت به این موضوع بسیار سنگین تر شده تا در مقابل این موج، خدای نکرده نوجوانان و جوانان به گمراهی کشیده نشوند.

دشمن سعی دارد با انواع ترفندها همچون ایجاد شبهات، ترویج مفاسد اخلاقی و تهاجم فرهنگی و اعتیاد جوانان کشور را تحت تاثیرقرار دهد و با متمرکز کردن روی این حربه بر روی نسل جوان ما می خواهد آن ها را از اسلام و قرآن جدا کند و این امر می طلبد که دستگاه های مسئول از جوانان غافل نشوند.

امروز راهها به سوی فساد زیاد شده است، جوانان باید هوشیار باشند و در انتخاب درست دقت کنند. چه اسراف از این بالاتر که انسان مهمترین سرمایه وجود خود یعنی عمر و سلامت و جوانی و نیروها را بیهوده در راه فساد و گناه

و عصیان و یا در مسیر به دست آوردن متاع بی ارزش و ناپایدار این دنیا به هدر دهد، و در برابر این سرمایه چیزی عاید او نشود. زیرا ادامه این تحریکات دائمی بهترین فصول زندگی یعنی دوران جوانی را بر باد می دهد و اعصاب جوانان را در هم می کوبد.

لذا باید برای حل مشکلات دانش آموزان از تمام برنامه ها بهره جست تا مانع افزایش مفاسد اجتماعی شویم و همه باید سعی کنیم نسل جوان را در مقابل وسوسه های شیطان صفتان بیمه کنیم.

لزوم تهذیب و خود سازی

انجام عبادت ، و در خودسازی کوشیدن، و به غیر خدا نیندیشیدن، تحول عظیمی در روح انسان پدید می آورد، لذا حضور جوانان مومن دانشجو برای تهذیب و خودسازی، نگرش در گذشته و تصمیم برای آینده، مساله بسیار مهمی است آن هم در دنیایی که آلوده شده است.

شکی نیست دشمنان اسلام و انقلاب تبلیغ می کنند که جوانان از دین و معارف الهی فاصله گرفته اند که این حضور پر شور جوانان در مناسک عبادی هم چون اعتکاف جواب دندان شکنی برای آنان است که بحمدالله نسل جوان ما مومن و معتقد هستند.

هم چنین شایسته است جوانان فاصله خود را با نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و تفسیر آیات قرآن کم کنند، زیرا بالا رفتن علم و دانش باعث تشخیص راه زندگی سعادت مند خواهد شد. تمسک به فرهنگ اسلام علوی و پرهیز از مجالس آلوده و دوستان ناباب، اخلاق و عقاید اسلامی را در میان جوانان حفظ می کند.

بنابراین تا جوانان با ایمان هستند انقلاب بیمه است، اما پناه بر خدا از روزی که شیاطین نفوذ کنند.

امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان در امور معنوی، که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است، نسبت

به دیگران پیشگام باشند.

شادی سالم ضرورت حیاتی برای جوانان

به گفته برخی تفریح و سرگرمی همچون سرویس کردن و روغن کاری نمودن چرخهای یک ماشین است گرچه این ماشین یک ساعت متوقف برای این کار می شود، ولی بعداً قدرت و توان و نیروی جدیدی پیدا می کند که چند برابر آن را جبران خواهد کرد، به علاوه بر عمر ماشین خواهد افزود.

لیکن مهم این است که سرگرمی و تفریح، «سالم» باشد و گرنه مشکلی را که حل نمی کند بلکه بر مشکل ها می افزاید، چه بسیار تفریحات ناسالمی که روح و اعصاب انسان را چنان می کوبد که قدرت کار و فعالیت را تا مدتی از او می گیرد و یا لا اقل بازده کار او را به حد اقل می رساند.

لذا در بین جوانان عده ای وجود دارند که روحشان مرده است؛ معتادند، گرفتارند، افسرده اند و خلاصه اثری از شور و نشاط جوانی در آنها نیست، همان گونه که در بین پیران کسانی هستند که روحی زنده و با نشاط دارند، اینها قلب و روحشان جوان است، هر چند سنشان زیاد باشد.

با این اوصاف باید گفت از دیدگاه اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند؛ یعنی برای رسیدن به هدف مقدس، نمی توان از مقدمات نامقدس سود جست، بلکه باید با وسائلی مقدس، به هدف مقدس نائل شد لذا نکند خدایی ناکرده برای خندانند مردم کارهای خلاف شرع انجام شود، مبدا صحنه های بدحجابی نشان داده شود و طنزها لغو و بیهوده باشد، همه برنامه ها را می توان هدفدار کرد.

ارتقای آموزه های اسلامی در کتب آموزشی

نباید فراموش نمود برخی عوامل نفوذی در گوشه و کنار کشور سعی در حذف ماهیت اسلامی از کتاب های دانش

آموزان دارند که مسئولان باید در این زمینه دقت لازم را به کار بندند.

خوشبختانه فرهنگ اسلام بسیار غنی است و مدیران می توانند با بهره گیری هر چه بیشتر از معارف اسلامی، جوانان را در برابر تبلیغات منفی دشمنان بیمه کنند.

هم چنین از سوی دیگرعلاقه شدید نسل جوان به این گونه کتابها، نشانه بارزی است از زنده بودن روح حقیقت جویی در آنها. لذا باید نیاز حق طلبی و ایمان به معنویت و سعادت را در این طبقه باور داشت.

از این رو هر چه بر تعداد کتابخانه ها، مدارس، حوزه های علمیه و سفرهای علمی افزوده شود، سطح علمی و دینی جوانان افزایش خواهد یافت و به همان نسبت هم جوانان از مفاسد و انحرافات دور می شوند.

لزوم ارتباط جوانان با عالمان دین

گفتنی است سایت های شیطننت آمیز ضد اسلامی و ضد شیعی در فضای مجازی فعال هستند و شبهه افکنی می کنند که جوانان باید به هوش باشند و خود را از لغزشگاه ها دور نگه دارند، همان گونه که مسئولین نیز باید احساس مسئولیت کرده و برای حفظ و تقویت ارتباط جوانان با خداوند نهایت کوشش خود را به کار گیرند. چون اگر نسل جوان از دست برود فقط جهان آخرت از دست نمی رود، بلکه دنیا نیز از دست می رود.

در این شرایط جوانان باید سؤالات خود را با عالم دینی در میان بگذارند، چون این شبهات با ساده ترین استدلال های علمی و فلسفی، جواب های روشن دارند و ما به برکت اهل بیت علیهم السلام می گوئیم و معتقدیم که سؤال و شبهه بدون جوابی در هیچ یک از مسایل دینی اسلام وجود ندارد.

به عنوان نمونه ضرورت گسترش افکار و اندیشه های امام خمینی قدس سره و

انس بیشتر جوانان با این اندیشه ها برای مقابله با شبهات دشمنان بسیار مفید و موثر خواهد بود.

از سوی دیگر تصویر فاصله علما با مردم و نسل جوان باید کاهش یابد و برای کم کردن این فاصله، نسل جوان باید بتوانند بیش از پیش با آثار بزرگ اسلامی آشنا گردند؛ از زلال جان پرورش سیراب گردند و راه زندگی را بیابند و مفاهیم و ارزش‌های اسلامی را بهتر ارزیابی کنند.

جوان و دوست یابی صحیح و سالم

بی شک انسان بدون دوست و رفیق نمی تواند زندگی کند و در روایات آمده است که رفیق از بهترین نزدیکان انسان است، اما رفیق خوب و بد تفاوت دارد.

دوستی و رفاقت را می توان یکی از شاخ و برگ‌های درخت اجتماع به حساب آورد که رنج و تعب را می برد، به روح و روان نشاط می بخشد و هنگام گرفتاری بسیاری از مشکلات بدین وسیله حل می شود.

لیکن دین مبین اسلام در انتخاب دوست و رفیق بسیار سخت گیر است و تاکید می کند که در این راستا باید مراقب بود چرا که سرنوشت انسان را در بخش هایی دوستان می سازند. لذا ما باید در انتخاب دوست سخت گیر باشیم. باید کسانی را برگزینیم که دیدنشان ما را به یاد خدا بیندازد، ما را دعوت به تقوا و اطاعت از خدا و تلاش برای رضای حق کند.

به ویژه آنکه با توجه به این که در حال حاضر اسباب آلودگی جوانان به گناه بیشتر شده است نسل جوان باید حساسیت بیشتری در انتخاب دوست داشته باشند. هم چنین ما باید جوانان را برای انتخاب دوست خوب راهنمایی، کنیم چون دوست خوب در سرنوشت انسان تاثیرگذار است.

متأسفانه برخی به خاطر دوست و رفیق ناباب و وسوسه های آنها به مواد مخدر آلوده و گرفتار مشکلات بسیاری شده و

برخی نیز به همین دلیل به دار آویخته شده‌اند.

بسیاری از باندهای سرقت و ناهنجاری نیز به واسطه همین دوستان ناباب شکل می گیرد برای همین جوانان باید در انتخاب دوست حساسیت فوق العاده‌ای داشته باشند و بدانند که یک دوست تا چه میزان می تواند در سرنوشت انسان اثرگذار باشد.

اشتغال ضرورت بنیادین برای پویایی نسل جوان

به یقین هنگامی که مسئله بیکاری جوانان مطرح می شود ابعاد فاجعه نیز روشن تر می گردد. زیرا امروزه برخی ۱۰ الی ۲۰ پست و مقام برای خود گرفته اند؛ این درحالی است که بسیاری از جوانان لایق، بیکارند! حال آنکه این گونه اقدامات، باعث ایجاد کینه و بدبینی در جامعه می شود.

قطعاً کسی که ۱۰ الی ۱۵ شغل را هم زمان دارد، از حرص و طمع و روحیه انحصار طلبی اوست که این یکی از بدترین رذایل اخلاقی است. که منشأ این تفکر، فقط به فکر گروه خویش بودن است؛ این افراد فکر می کنند باید گروه خودشان، شغل های بیشتری را در اختیار داشته باشند؛ حال آن که باید از چنین فردی پرسید: آیا باید همه منافع برای شما باشد؟

لازم به ذکر است امروزه شعارهای زیادی در استفاده کردن از نیروی جوانان داده می شود و متأسفانه به گونه ای تبلیغ شده که بعضی تصور می کنند باید بزرگسالان را از صحنه حکومت و اجتماع کنار گذاشت در حالی که آنها مجموعه های عظیمی از تجربند. حق مطلب این است که تجربه های پرارزش بزرگسالان باید با نیرو و نشاط جوانان آمیخته شود تا موفقیت قطعی حاصل شود؛ به طور قطع و یقین نه تنها می توان به نیروی جوان قناعت کرد و نه تنها به تجارب بزرگسالان، بلکه این دو مکمل یکدیگرند.

ازدواج؛ شاخصه کلیدی پویایی جوانان

باید اذعان نمود خداوند ازدواج را به صورت یک فریضه جمعی شمرده است، و قرآن، ازدواج را مایه آرامش انسان قرار داده است، آرامشی که تنها در بعد فردی خلاصه نمی شود بلکه به تبع آن آرامش در عرصه اجتماعی نیز تحقق می یابد. لذا دولت، مسؤولان، مردم و خانواده ها همه باید دست به دست هم دهند تا مشکل ازدواج جوانان حل شود. زیرا ازدواج و همسر گزینی موجب شکفته شدن استعدادهای نهفته است و افراد متأهل بهتر از افراد مجرد فکر می کنند و جوانی که در کانون وجود او آتش شهوت زبانه می کشد و وسیله مشروع برای اطفای آن ندارد، نمی تواند صحیح و آرام فکر کند؛ این حقیقتی است که برخی از روانشناسان نیز به آن اعتراف کرده اند.

بنابراین به نظر می رسد سازمانی دارای سرمایه های کافی و اختیارات لازم باید در کشور وجود داشته باشد تا مسئله ازدواج ساماندهی شود. امیدواریم خداوند به همه گوش شنوا بدهد و ما ورای شعارهایی که داده می شود تصمیم و عمل نیز باشد حتی اگر یک سازمان مجهزی دارای سرمایه های کافی و اختیارات لازم برای مساله ازدواج جوانان فراهم کنند که هم تسهیلات بدهند و هم آموزش های لازم را به آنها ارائه کنند، بسیار مفید و بجا خواهد بود.

هم چنین در جامعه گروهی عهده دار کمک به پسران جوان نیازمند ازدواج شوند، جوانانی که سن ازدواج آنها فرا رسیده ولی ضعف امکانات مالی اجازه ازدواج را به آنها نمی دهد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت؛ سرمایه اصلی یک کشور منابع و امکانات نیستند بلکه نیرو و منابع انسانی است لذا جوانان، امید آینده کشور و نظام اسلامی هستند، این جوانان بودند که توانستند انقلاب اسلامی

را به پیروزی رسانده و در دوران هشت سال دفاع مقدس سربلند باشند.

از سوی دیگر باید به جوانان این مرز و بوم گفت؛ ضایع کردن فرصت مایه غم، اندوه و ناراحتی است و نباید فرصت سوزی کرد. بعضی از اسباب و وسایل فرصت ها در اختیار ما است، اما بعضی ها از اختیار ما خارج است این اسباب همیشه برای انسان فراهم نمی شود و نباید آن را به راحتی از دست داد.

اگر فرصت جوانی از دست برود برگشت ندارد و دوران جوانی، زمان فراهم بودن فرصت ها است که باید مغتنم شمرد.

اگر چه جوان قلبش پاک است و ریشه خوب، بد، عالم و یا جاهل بودن در جوانی نهادینه می شود و جوان آمادگی برای پذیرش دارد و می تواند از عمرش به خوبی استفاده کند ولی باید مواظب بود این فرصت به غفلت نگذرد.

در حال حاضر نیز باید مجلس و دولت با برنامه ریزی مناسبی برای حصول اهداف و حل مشکلات جوانان را یاری کنند.

باید تصورات موهوم گذشته را به کناری نهاد. باید چشم دوخت به آینده ای روشن و روحانی و برای نسل جوان این عصر، تمامی نیروها و استعدادها را به کار بست.

امید است این خدمت ناچیز مقبول درگاه حضرت احدیت و موجب خشنودی حضرت ولی عصر امام زمان (روحی له الفداء) باشد و باعث بیداری و آگاهی همگان مخصوصاً نسل جوان و تحصیل کرده گردد.



تأملی بر حقیقت «انتظار» منجی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از منظر معظم له

زادروز بزرگ منجی جهان بشریت و برافرازنده پرچم حق و عدالت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بشارتی روح پرور برای همه عاشقان و شیفتگان مکتب اوست. از این رو جهان در انتظار مصلحی بزرگ است که با یک انقلاب صحنه عالم را به نفع حق و عدالت دگرگون می‌کند.

بدیهی است در جهانی که شور و شر از در و دیوارش می‌بارد و همه از ظلم و جور و ستم خسته شده‌اند و رهبر و راهنمایی می‌جویند انتظار و امید ظهورش نوید بخش امن و امان و صلح و عدالت است، همه هر یک به نحوی در انتظار آن نجات دهنده بزرگ به سر می‌برند و یاد او مایه آرامش دل‌ها و زدودن زنگار یأس و نومیدی و حرکت به سوی خودسازی و فراهم ساختن زمینه‌های ظهور او است.

لذا طبیعی است اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد باید خود را برای استقبال از آن آماده کند. حال آن‌کس که ادعا می‌کند من انتظار چیزی دارم و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع مدعی دروغینی بیش نخواهد بود. زیرا کسی که سلاح در دست دارد، برای حمایت از رهبر این انقلاب باید با مخالفان حکومت صلح و عدالتش مقابله نماید و آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی داشته باشد.

چیستی مفهوم انتظار

در وهله نخست باید گفت «انتظار» از ماده «نظر» معمولا به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند.

فی‌المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت

فرزندش از سفر است؛ از بیماری و فراق فرزند ناراحت‌اند و برای وضع بهتری می‌کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد: «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.

و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد.

که عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر.

لذا با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» می‌توان دریافت منتظران واقعی همچون کسانی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می‌زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است.

با این تفاسیر باید گفت مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد متفاوت است، اگر چه هر کدام از اینها هر دو جهاندند، و هر دو آمادگی می‌خواهند و خود سازی، لیکن کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی‌تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی تفاوت بوده باشد، آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند.

اصل انتظار در یک نگاه

باید گفت همه مسلمانان بدون استثناء در انتظار ظهور مصلحی بزرگ به سر می‌برند، این مصلح بزرگ دارای این ویژگی‌ها است:

۱. جهان انسانیت را به سوی صلح و عدالت رهبری می‌کند و بساط ظلم و فساد و خونریزی را بر می‌چیند.
۲. مساوات و برادری را در میان عموم ملت‌ها و نژادها تعمیم می‌دهد.
۳. نور ایمان و اخلاق و صمیمیت و محبت را در همه جا می‌پاشد.
۴. یک جهش بزرگ علمی و فرهنگی برپا می‌سازد.

۵. دنیای انسانی را وارد مرحله نوینی از حیات خود می‌کند.

۶. به هرگونه اسارت و بردگی و استثمار پایان می‌دهد.

۷. نام او مهدی است و از فرزندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

انتظار؛ مقوله‌ای میان ادیان و جهان شمول

بی تردید اندیشه ظهور یک مصلح بزرگ برای جهان انسانی در آموزه‌های تمام انبیای الهی بوده است و همگی آنها امت‌های خود را به چنین ظهوری بشارت داده‌اند و در انتظار آن بوده‌اند، اما این اندیشه در آموزه‌های اسلامی بسیار شفاف تر و پررنگ تر مطرح است.

هم چنین می‌دانیم مسئله انتظار ظهور یک مصلح مورد توافق تمام مردم جهان است که بیاید و جهان درهم ریخته را اصلاح کند، ادیان و مذاهب نیز منتظر یک مصلح هستند با این تفاوت که هر کدام از ادیان این مصلح را از خویش می‌دانند، و هر کدام او را به نامی می‌نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق دارند.

بنابراین انتظار عمومی همه ادیان و مذاهب برای یک مصلح بزرگ جهانی است، تقریبا در همه ادیان فصلی جالب در این زمینه به چشم می‌خورد، و مسئله ایمان به ظهور

یک نجات بخش بزرگ، برای مرهم نهادن بر زخم‌های جانکاه بشریت، تنها در میان مسلمانان نیست، بلکه این یک اعتقاد عمومی و قدیمی است که در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب بوده است، به عنوان نمونه وجود چنین اعتقادی حتی در میان قبایل سرخ‌پوستان آمریکایی نیز شایع است که روزی گرد سرخ‌پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد نمود.

اگر چه اسلام به حکم این‌که مذهبی است کامل‌تر، تأکید بیشتری روی این مسئله می‌کند. بلکه عقیده ظهور «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» در عقاید اسلامی وسعت فوق العاده‌ای دارد و به عنوان یک عقیده زیر بنایی شناخته شده است.

از این رو همه فرق اسلامی بدون استثناء در انتظار قیام یک مرد بزرگ انقلابی از دودمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نام «مهدی» هستند (رهبری که به سوی هدف و برنامه وسیع انقلابی‌اش هدایت شده و به همین دلیل قادر به هدایت و رهبری دگران است).

این اتفاق نظر به حدی است که حتی تندروترین گروه‌های اسلامی یعنی وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته‌اند، نه تنها پذیرفته‌اند بلکه بطور جدی از آن دفاع می‌کنند و از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.

از مجموع آنچه گفتیم نتیجه می‌گیریم که این انتظار جنبه منطقه‌ای ندارد؛ انتظاری است همه‌گیر و گسترده و در سطح جهانی.

انتظار؛ مولفه‌ای برآمده از فطرت

باید اذعان کرد مسأله انتظار ظهور یک حکومت بزرگ جهانی که صلح و امنیت و آرامش و عدالت و پاکی را در همه دنیا گسترش دهد عکس العمل عوامل سخت اجتماعی و ناکامی‌ها نیست، بلکه ریشه عمیقی در اصیل‌ترین ابعاد روح انسانی دارد و به تعبیر دیگر این انتظار از درون فطرت و روان آدمی می‌جوشد و از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد، فراگیری و آله) بوده است.»

جهان شمولی انتظار منجی موعود(عج) خود شاهدهی است بر فطری بودن این اعتقاد، به نحوی که ایمان و توجه به این واقعیت فطری که عقل و خرد نیز پشتیبان آن است ابرهای تیره و تاریک و بدبینی را از آسمان روح انسان دور ساخته، و او را برای آینده روشن، بسیج و آماده می‌کند، نیروها را آماده‌تر، افکار را بیدارتر، آمادگی‌ها را فزون‌تر، انقلاب‌ها را سریع‌تر، عشق‌ها را آتشین‌تر؛ و راه را برای رسیدن به یک جامعه انسانی به معنی واقعی کلمه هموارتر می‌سازد.

اهمیت مسأله انتظار در آموزه‌های روایی اسلام آئین جاودانی حق این حقیقت را به پیروانش یاد آور شده و از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایات متواتری در زمینه قیام مهدی علیه السلام در آخر الزمان پس از پر شدن جهان از فساد، رسیده است.

هم چنین از طرق ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بالخصوص، روایات بسیاری در این باره وارد شده است. در این روایات تعیین شده که «مهدی» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است. همو که در سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء متولد و پس از شهادت پدرش (در سال ۲۶۰) بدستور خداوند از دیده‌ها پنهان گردیده و تا هنگامی که خداوند فرمان ظهورش را نداده همچنان در پشت پرده غیبت قرار دارد.

لذا باید قبل از هر چیز قسمتی از روایات مذهبی را که درباره اهمیت مسأله انتظار وارد شده است، مورد دقت قرار داده و روی لحن آنها که روشنگر مباحث مهم و کلیدی است تکیه کنیم. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام درباره کسی که انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود فرمود: او به منزله کسی است که با رهبر این قیام در خیمه‌اش باشد، و پس از کمی سکوت اینگونه کلام نورانی‌اش را کامل نمود فرمود: مانند کسی است که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است.»

نظیر همین مطلب در روایات دیگر ... نیز وارد شده است که این تشبیهات، بسیار پرمعنا و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه بین مسأله انتظار و جهاد و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود وجود دارد؛ گاهی همانند کسی که در زیر پرچم اوست، گاهی همانند مجاهدان در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله، گاهی همانند شهیدان.

در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است: «أفضل العبادة انتظار الفرغ؛ بهترین اعمال امت من انتظار فرج است.» ، ، این حدیث اعم از این که «انتظار فرج» را به معنای وسیع کلمه، شامل شود و یا به مفهوم خاص، یعنی «انتظار ظهور مصلح جهانی» باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می‌سازد.

به هر حال مطالعه متون معروف اسلامی نشان می‌دهد که امید و انتظار صلح و عدالت جهانی در پرتو قیام یک مرد انقلابی، با برنامه‌ها و بینش‌های انقلابی، چیزی است که در متن تعلیمات پیامبر اسلام قرار داشته است. بلکه روایات مربوط به قیام مهدی (علیه السلام) چنان است که هیچ محقق اسلامی، پیرو هر یک از گروه‌ها و مذاهب اسلامی باشد نمی‌تواند «تواتر» آن را انکار کند.

انتظار فعال؛ انتظار منفعل

باید دانست تحقق انتظار بدون تلاش برای پیاده کردن صلح، امنیت و عدالت جهانی بی محتوا است، زیرا سازنده‌ترین مفاهیم همچون «انتظار» گاهی آنچنان گرفتار تحریف و تفسیرهای نادرست و وارونه شده که اسلام راستین از آن وحشت می‌کند! در تبیین این مسأله باید گفت در راه هدایت، کمی نفرات نباید موجب عقب نشینی و یا عدم حرکت شود، چه این که هدایت جزو سرشت انسان‌ها است و بنا بر این با کمک این عامل درونی و با آگاهی افراد پیشرفت حاصل خواهد شد. علاوه بر کار مهمی از جای کوچکی شروع شده و بزرگ‌ترین انقلابات جهان از ابتدا از فکر

یک یا چند نفر تراوش کرده است، نباید به انتظار تعداد زیاد نشست بلکه باید کار را شروع نمود زیرا در صورت عدم شروع از چه طریق انتظار داریم که بر تعداد ما افزوده شود خود شروع موجب پیشرفت است.

لذا بنا نیست که ما در زندگی همیشه در انتظار معجزه‌ها باشیم، باید برنامه و وسائل کار را آماده کرد و از طرق طبیعی به پیشروی ادامه داد، و آنجا که کارها گره می‌خورد باید در انتظار لطف الهی بود! به تعبیر روشن تر، من نباید انتظار داشته باشم که آفتاب را به پائین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم؛ چنین انتظاری اشتباه بزرگ و خیال خام است؛ این منم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنم تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشم و سیراب گردم.

بنابراین بدیهی است انتظاری پویا و فعال است که انسان در راستای هماهنگی کامل با برنامه های مصلح جهانی قرار گیرد که در این صورت از غوطه ور شدن در فساد و تباهی که لازمه ناامیدی و یأس است مصون خواهد ماند و به سازندگی، آمادگی و خودسازی بیشتر خواهد رسید در غیر این صورت، واژه انتظار لفظی بی مفهوم خواهد بود.

زمینه سازی برای ظهور شاخصه کلیدی انتظار فعال

این اشتباه بزرگ را باید به طور کامل از مغزها بیرون کرد که مصلح بزرگ جهانی برنامه‌ای دارد که تمام اصولش بر محور معجزات دور می‌زند، همه پیروزی‌ها و فتح‌ها، انقلاب‌ها و اصلاح‌ها، دگرگونی‌ها و تحول‌ها پیش روی اصول اعجاز صورت می‌گیرد، او و چند نفر به پا می‌خیزند، در حالی که سایرین تماشاچی خواهند بود، دنیایی را که هیچ‌گونه آمادگی برای حکومت واحد عادلانه جهانی بر اساس عالی‌ترین ارزش‌های انسانی ندارد، یک شبه، با دم مسیحایی آماده می‌کنند، و برق‌آسا عناصر غیر قابل اصلاح را نابود، و همه افکار را به سطح بالا می‌کشند، و پرچم حق و عدالت را در سراسر عالم به اهتزاز در می‌آورند.

نه هرگز چنین نیست؛ مگر سایر پیامبران الهی و مصلحان آسمانی چنین برنامه‌ای داشته‌اند که او هم داشته باشد؟! مگر او یک استثنا در عالم خلقت است؟! مگر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از تمام امکانات و اسباب طبیعی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نمی‌کرد؟! مگر در میدان نبرد، هیچ یک از محاسبات و نقشه‌ها را از نظر دور می‌داشت؟! بنابراین شکی نیست او هم تا آن جا که ممکن است از عوامل و اسباب طبیعی استفاده می‌کند، و امدادهای خاص الهی مخصوص به موارد نارسایی این اسباب است. با در نظر گرفتن این حقیقت، روشن می‌شود که آماده ساختن زمینه برای چنان تحولی، از شرایط نخستین آن تحول است.

ظلم ستیزی؛ اصل راهبردی انتظار منجی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

برخلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند برای تسریع ظهور مصلح جهانی، آنچه لازم است آمادگی و تشنگی محیط است، نه وجود ظلم و فساد.

به تعبیر دیگر مردم جهان تدریجاً این حقیقت را در می‌یابند که وجود رقابت‌های ناسالم و جنگ‌ها و خونریزی‌ها در جهان و مسابقه تسلیحاتی میان قدرت‌های بزرگ... آنها را به فکر تشکیل «حکومت واحد جهانی» با ابعاد وسیعش می‌افکند.

کوتاه سخن این که آنچه در این موضوع مهم است مسئله آمادگی روحی و جسمی برای پذیرش چنان نظام واحدی است و آگاهی از عواقب خطرناک وضع نابسامان کنونی، و یا اگر در روایات اسلامی می‌خوانیم قبل از چنین انقلابی، جهان را ظلم و فساد خواهد گرفت آن هم در واقع مقدمه‌ای است برای پیدایش آگاهی و آمادگی، نه این که ظلم هدف و فساد، هدف نهایی باشد.

اگر چه نباید فراموش نمود مدت‌هاست که جهان از ظلم و فساد پر شده است چه ظلم و فساد بالتر از این همه جنگ‌ها و خونریزی‌ها و غارت‌گری‌ها و استعمارها در

اشکال مختلف، این همه جنایات و تبیعض‌های ناروا، و تقلب‌ها و خیانت‌ها و مفساد اخلاقی دیگر، لذا منتظران واقعی باید تمام تلاش و کوشش خود را در «عواقب» وضعیت کنونی و تبیین «علل و عوامل» آن به کار برند، نتیجه وضع کنونی را روشن سازند و علل اصلی آن را نیز مشخص کنند تا آمادگی که شرط ظهور است انجام یابد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت یار آن حضرت بودن خودسازی می‌خواهد و باید نیروی علم، ایمان و ایثار را در خود زنده کنیم تا آن لیاقت حاصل شود. زیرا شخصی که انتظار امام زمان علیه السلام را می‌کشد، باید سعی کند خود را به آن حضرت نزدیک کرده و اعمال و رفتارش را درست کند؛ حسادت، کینه، نفاق و کارهای خلاف را از خود دور کرده و خود را به فضایل اخلاقی آراسته نماید.

هم چنین باید از واژه انتظار باید معنی صحیح حدیث معروف «المنتظر لامرنا کالمتسخط بدمه فی سبیل الله» که منتظران را هم ردیف شهیدان راه خدا می‌شمرد روشن شود. که تحقق این مسأله در گرو انجام پژوهش‌هایی برای عمق بخشیدن به مسأله انتظار و کاربردی کردن آن می‌باشد، لذا باید فصل جدیدی را در جامعه به ویژه برای جوانان بگشاییم تا از این طریق سربازان شجاع و صالحی برای آن حضرت و مصداق «وجعلنا من المجاهدین بین یدیه» باشیم.

آری! هنوز آن آفتاب چهره از ابرها به در نکشیده، و باید همچنان انتظار آن روز را کشید، که ابرها بکلی کنار روند و جهان تاریک به وجودش روشن شود؛ و گویا صبح نزدیک است امیدواریم چشم ما به جمال نورانی آن حضرت روشن و منور گردد و از یاران خاص آن حضرت به حساب آییم. إن شاء الله.

صیقل‌گیری



پرونده ویژه

جریان شناسی فرقه ضالّه بهائیت از منظر معظم له

بدیهی است از جمله مذاهب ساختگی، «فرقه ضاله بهائیت» است. بدین نحو که کشورهای مخالف اسلام، جهت مبارزه با دین مبین اسلام، در صد سال پیش، فرقه ضاله ای را تأسیس کردند که برای شدت بخشیدن به آن، عالم منحرفی را در دامن خود پروراندند. او کتابی در تأیید این فرقه، با سوء استفاده از آیات و روایات نوشت. این عالم منحرف با کتابش، آنقدر گمراه کننده بود که هیچ یک از پایه گذاران فرقه ضاله، به اندازه این دانشمند منحرف سبب گمراهی مردم نشدند.

گفتنی است آمیختن حق و باطل به یکدیگر مانع از شناخت باطل نیست هر چند به دقت و کنجکاوای یا پرسش از آگاهان نیاز دارد. لذا هنگامی که باطن کسی برای ما مشکوک شود باید در اعمال او دقت کنیم و از لابه لای آن به باطن او پی ببریم، قرآن مجید نیز این حقیقت را در آیات مختلف تأیید کرده و درباره منافقان می فرماید: «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»؛ نشانه های عداوت آن‌ها از دهان و کلامشان آشکار شده و آن چه در دل‌هایشان پنهان می دارند از آن مهم‌تر است.»

لذا فقیهان و دانشمندان دینی باید بخشی از تلاش‌ها و فعالیت‌های خود را به شناخت موضوعات اختصاص دهند.

بدین ترتیب مجتهد باید از علوم سیاسی و اقتصادی ..سایر علوم آگاهی داشته باشد.

هم چنین مسلمانان باید زیرک و دقیق باشند و فریب ظاهر را نخورند، و در هر برنامه و فتنه ای باید متولیان آن را شناسایی کنند، باید دریابند که چه کسانی از فرقه های انحرافی هم- چون فرقه ضاله بهائیت بهره می برند و چه کسانی متحمل ضرر می‌شوند. مبادا فریب کسانی را بخورند که به نام استعمار و آبادانی وارد کشور آنها می شوند و با اسلحه آبادانی به خرابی کشور آنها می پردازند؛ یا به نام ترویج آزادی، آنها را به اسارت می کشند و یا به نام ترویج دین آنها را بی دین کنند!

آری؛ اینگونه است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «کیس فطن حذر»، انسان مؤمن باید باهوش، زیرک و نسبت به امور مختلف مواظب و دقیق باشد.

قدرت های استکباری عامل پیدایش فرقه بهائیت

باید اذعان نمود از جمله شگردهای دشمن، ایجاد فرقه های انحرافی است؛ آنها می دانند که در جوامع مذهبی به خصوص بعد از آشکار شدن بی محتوایی مکتب های مادی، علاقه عمیقی به مذهب به وجود آمده است. آنها یک سلسله فرقه های دروغین عرفانی ساخته اند که هم اختلاف و تفرقه ایجاد کنند و هم انسان های با ایمان را از اصول صحیح مذهب دور سازند و به عوامل تخدیر تبدیل کنند.

لذا به گفته بعضی از کارشناسان خبره در این مسأله، در چند دهه اخیر دو هزار فرقه عرفان انحرافی در آمریکا و دو هزار فرقه دیگر در اروپا به وجود آمده است و عجیب اینکه کمتر قدر مشترکی با هم دارند و به یقین عامل اصلی پیدایش آنها جهان‌خواران اند که می خواهند

مذاهب آسمانی را که مانعی در برابر منافع نامشروعشان است از راه خود بردارند. بسیاری از این فرقه ها به شرق اسلامی منتقل شده و فرقه های دیگری نیز بر آن افزوده اند.

شکی نیست که مروجان بهائیت افراد منحرفی هستند و اساس مذهب ساختگی آنها، از سوی دولت های استعماری انگلستان و آمریکا است بدین ترتیب برای همگان روشن است که این مذهب بی اساس در کجا متولد شده است؛ چه کسانی آن را ساخته اند؛ و چه کسانی از آن استفاده می برند.

بهائیت؛ عامل مستقیم آمریکا و اسرائیل

باید دانست در طول تاریخ حیات منفور بهائیت، همواره دشمنان اسلام به عنوان یک ابزار از آنها استفاده کرده و می کنند زیرا مهمترین مرکز این فرقه در آمریکا است و مرکز مهم دیگری از آنها در اسرائیل است.

هم چنین در تبیین این مدعا باید گفت منادیان حقوق بشر، آمریکا و کنگره آن، چنانچه در ایران یک بهایی را دستگیر کنند فریاد می زند، لیکن در مقابل بدرفتاری سعودی ها با شیعیان سکوت اختیار کرده اند و صدایی از این کشور بلند نمی شود؟ از این رو باید توجه داشت مخالفت ما با فرقه ضاله، تنها به خاطر دشمنی آنها با اسلام و توطئه بر ضد مسلمانان نیست بلکه آنها به یقین جزء عوامل بیگانه مانند آمریکا و اسرائیل هستند.

تسهیل پروژه نفوذ؛ در سایه ترویج بهائیت

بی تردید نفوذ یکی از عوامل بزرگ پیروزی سیاست های استعماری و عامل روانی فروپاشی سنگرهای فکری در جامعه هدف به ویژه جوامع شرقی است. قدرت های استکباری برای پیش برد

مقاصد خود در کشورهای هدف از دخالت در هر چیز، اعم از فرهنگ و اقتصاد و مذهب و عادات و رسوم و ... فرو گذار نمی کنند، و حتی در صورت لزوم از نابود کردن ساکنان این مناطق ابا ندارند، زیرا برخی از کشورها همچون آمریکا یا اروپایی ها به دنبال گسترش نفوذ منطقه ای هستند، مثلا قصد دارند نفوذ آمریکا یا اروپا را در جهان گسترش دهند.

لذا در همه مناطق جهان قدرت های مستکبر و زورگو نفوذ کرده تا جایی که به خلیج فارس برای حافظت از به اصطلاح امنیت آمده اند و می‌بینیم از موقعی که پا در این گرداب مهلکه گذارده اند، تشنج منطقه رو به ازدیاد گذارده است.

لیکن باید دانست غربی ها در مبارزات خود برای «استثمار» کشورهای اسلامی و دیگر جوامع شرقی تنها بر قدرت نظامی و ثروت خود تکیه نمی کنند. بلکه امروزه نفوذ عرفان های کاذب هم چون بهائیت برای نظام اسلامی بسیار خطرناک است بدین نحوکه مسائل زشت در لباس زیبا عرضه می شود که از سطح توده مردم بالا رفته و به قله مسائل اجتماعی و سیاسی نفوذ می کند. دشمنان قصد دارند با ترویج فرقه انحرافی بهائیت مردم را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اسلام متنفر کنند. در حالی که مذاهب ساختگی از قبیل فرقه ضاله بهائیت از خرافات است.

هم چنین به نظر می رسد هجمه زیادی از سوی مخالفان شروع شده است و اطلاعاتی به ما رسیده که فرقه ضاله بهائیت و نیز مسیحیان و متصوفه به شدت مشغول تبلیغ هستند. که همه این‌ها جنبه سیاسی دارد و به پندار خود می خواهند مذهب را با مذهب بکوبند. حال با این اوصاف باید گفت متاسفانه

امروزه مسلمانان بر اثر فراموش کردن اصل مهم اسلامی هجرت برای ترویج آموزه های اسلامی، غالبا در لاک خود فرو رفته اند، در حالی که میسران مسیحی و مبلغان فرق ضاله بهائیت به شرق و غرب و شمال و جنوب دنیا مهاجرت می کنند حتی به میان قبائل وحشی و آدمخوار و حتی به مناطق قطب شمال و جنوب زمین، در واقع این دستور از آن مسلمان ها است، و عملش از دیگران!

در حالی که باید از طریق روشنگری جلوی اینها گرفته شود تا به صورت کلی در جایی که نفوذ می کنند دفع شود. بهترین راه مبارزه با خرافات این است که مردم معارف و احکام دین را از فقها، بزرگان دین و سرچشمه های علم بگیرند که در این صورت، به خرافات آلوده نخواهند شد.

بهائیت؛ کفار محارب و پرورش یافته استکبار

می دانیم مسأله بهائیگری در شرایط کنونی تنها یک مسأله مذهبی نیست بلکه بیشتر جنبه سیاسی دارد و قرائن فراوانی در دست است که آنها به نفع بیگانگان فعالیت می کنند و دفاع شدید مجالس قانونگذاری بعضی از کشورهای غربی از آنها از جمله این قرائن است. بنابراین در چنین شرایطی نمی توان با آنها به عنوان گروهی که می خواهند در این مملکت زندگی مسالمت آمیز داشته باشند نگاه کرد. لذا این گروه جزء کفار محاربند و در دامن استعمار پرورش یافته اند.

بهایی کافر حربی است از این رو که از هرگونه تلاش و کوشش ضد مسلمانان ابا ندارند. لذا بهایی ها مرتد و نجس هستند. و معامله با آنان جایز نیست هم چنین هرگونه کمک بر فرقه ضاله و اعضاء آن گروه از نظر شرعی ممنوع است مگر در موارد خاصی که قانون بنابر

مصلحتی تجویز کرده است.

سکولاریسم در سایه هم نوایی با استکبار

سکولار به کسی گفته می شود که زندگی و قوانین لازم آن را فقط با دید دنیوی تفسیر و تحلیل کند. لذا سکولاریزم به «جدایی دین از سیاست»، اومانیسیم(انسان محور همه اشیا و خالق همه ارزشها و ملاک تشخیص خیر و شر) و عقل منهای وحی و آموزه های الهی، تسامح و تساهل، «دین ستیزی» و لازمه آن دست کم، «دین زدایی» نظر دارد که از جمله مهمترین شاخصه های فرقه بهائیت و دیگر مذاهب ساختگی به شمار می آید. لذا این فرقه ضاله جنگ و جهاد را به هیچ وجه حتی از نوع دفاعیش قبول ندارد،

جریان شناسی فکری این فرقه بر دو اصل اساسی استوار است که همه اعضای فرقه ضاله به آن معتقد و پایبند هستند:

- ۱- عدم مداخله در سیاست
- ۲- ترک جنگ و جهاد. و اساسا فلسفه وجودی این فرقه گمراه گمراه کننده همین مطلب است. زیرا دولت های استکباری با اسلام سیاسی و جهادی نمی توانند کنار بیایند، و آن را مانع منافع و مطامع خویش می بینند، لذا مذهبی ساختند که نه کاری با سیاست داشته باشد و نه به سراغ جهاد برود.

تفسیر به رأی؛ انکار خاتمیت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم)

خوشبختانه در سال‌های اخیر چهره استعماری فرقه ضاله بهائیت برای همگان روشن شده است، و واضح است که برای این گونه افراد که آلت دست بیگانگان و دشمنان اسلام هستند، تفسیر به رأی وسیله بسیار مؤثری است. به نحوی که این فرقه در مسأله تفسیر به رأی دست بسیاری از همفکران خود

را بسته‌اند، و موارد فراوانی از قرآن و سنت را بر طبق امیال و هوس‌ها، و افکار خود تفسیر کرده‌اند.

به عنوان نمونه پایه گذار این فرقه در کتاب «ایقان» در تفسیر آیه شریفه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» برای تسهیل ادعای نبوت مدعیان دروغین پس از آن که «سما» را به معنای آسمان دیانت تفسیر می‌کند و «شمس» و «قمر» را به معنای علوم و احکام و معارف الهی و طلوع آنها را به معنای ظهور ادیان و غروب آنها را به معنای ضلالت علما و نسخ شدن احکام شریعت سابق می‌گیرد می‌گوید: این است معنی آیه مبارکه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ». «زیرا که از برای هر شمسی از این شمس مذکوره (علوم و معارف هر مذهب) محل اشراق و غروب است».

لذا اینگونه دست به دامن تأویل فوق میزند و خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را انکار می‌کند تا بگوید اسلام هم طلوع و غروبی دارد، و غروب آن فرا رسیده و نوبت طلوع دیگر است.

ولی این دروغ‌پردازان لاقفل توجه به این نکرده‌اند که قرآن به مشرق‌ها و مغرب‌ها، به عنوان یکی از نشانه‌های عظمت آفریدگار سوگند یاد کرده اگر منظور از «غروب» «ضلالت دانشمندان» هر مذهب بوده باشد، این موضوع نقطه درخشانی نیست که خداوند به آن قسم یاد کند. هم چنین باید دانست شمس و قمر و مغرب و مشرق در تمام کتب لغت و استعمالات روزمره ادبای عرب یک معنای حقیقی دارد که همان دو کوكب درخشنده آسمانی می‌باشند، و ما نمی‌توانیم بدون دلیل و قرینه آیه‌ای را که سخن از آنها می‌گوید بر معنای دیگری حمل کنیم.

تصرف ناروا در معنای خاتم

خنده آورتر، تصرف نابجا و مضحکی است که برخی از فرق ضاله هم چون بهائیت درباره «خاتم النبیین» انجام داده‌اند و برای اغوای مریدان خود چنین وانمود کرده‌اند که مقصود از «خاتم» در آیه، همان انگشتر است و هدف از تشبیه پیامبر به انگشتر بیان موقعیت پیامبر در میان پیامبران می‌باشد، زیرا همان‌طور که انگشتر زینت دست به شمار می‌رود، همچنین وجود پیامبر اسلام در میان پیامبران زینت آنان می‌باشد.

این تأویل به قدری سست است که حتی پایه گذار این مسلک و حزب، در برخی از کتاب‌های خود ناچار شده است که خاتم را به همان معنای صحیح خود تفسیر کند و این تأویل غلط را رها سازد. تفسیر خاتم به انگشتر، یک نوع خیال بافی است که برای فریب دادن ساده لوحان صورت گرفته است و هرگز در لغت عرب معنای واقعی «خاتم»، انگشتر نیست؛ بلکه به معنای چیزی است که با آن اسناد و دفاتر را مهر می‌کردند و اگر به انگشتر نیز خاتم می‌گفتند به این دلیل بود که با آن نیز نامه و دفتر و سند را امضا و مهر می‌کردند. بی شک ما در تفسیر قرآن هرگز حق نداریم از پیش خود برای لغتی معنایی بتراشیم، بلکه باید از استعمالات رایج در میان عرب زبانان پیروی کنیم؛ در صورتی که هیچ‌گاه در لغت عرب لفظ خاتم کنایه از زینت به کار نرفته و هرگز نمی‌گویند فلانی خاتم خانواده خود است و مقصود این باشد که او زینت آنهاست و اگر هدف از توصیف پیامبر به خاتمیت، بیان موقعیت او در میان آنان بود و این که او زینت این گروه است، لازم بود از استعمالات رایج در این زمینه پیروی نموده و بگوید: پیامبر اسلام «تاج» و «اکلیل» انبیاست.

حال آنکه چهارده قرن همه مسلمانان جهان از این لفظ همان معنای خاتمیت را فهمیده‌اند و در احادیث اسلامی در بیان موقعیت پیامبر نسبت به خاتمیت این لفظ به کار برده شده است.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت اعضای فرقه ضاله بهائیت از زمره مسلمین خارجند و هر گونه رابطه‌ای با آنها حرام است مگر در مواردی که امید ارشاد و هدایت آنها باشد.

بنابراین هرگونه کمک به فرقه‌ی ضاله و اعضای آن گروه، از نظر شرعی ممنوع است زیرا آنها مسلمان نیستند و با اسلام سخت مخالفند، لذا اجازه ندهید فرزندان شما با آنها رفت و آمد کنند و هدایای آنها را نیز نپذیرید.

هم چنین شنیدیم دختر یکی از شخصیت‌های معروف سیاسی به دیدار دوستانه یکی از سران مجرم فرقه ضاله بهائیت رفته و در مجلسی زیر عکس یکی از سران این فرقه ضاله از او عملاً تشکر کرده است.

اینجانب منتظر بودم ببینم کسی اعتراض میکند یا نه؟ دیدم متأسفانه خبری نیست. تا اینکه شنیدم پدر او اعتراض ملایمی کرده که جای شکرش باقی است.

ولی چرا دیگران سکوت کردند؟ مگر این کار یکی از منکرات مسلم نیست؟ آیا جای نهدی از منکر ندارد؟ بنده به سهم خود اینگونه کارها را شدیداً محکوم می‌کنم و معتقدم این جرم از نظر شرعی قابل تعقیب است، زیرا تقویت دشمنان اسلام و دشمنان نظام از نظر شرعی جرم محسوب می‌شود و میتوان مجرم را تعقیب کرد. زیرا ممکن است این گونه کارها مقدمه‌ای برای به رسمیت شناختن آنها باشد

باید توجه داشت مخالفت ما با فرقه ضاله، تنها به خاطر دشمنی آنها با اسلام و توطئه بر ضد مسلمانان نیست بلکه آنها به یقین جزء عوامل بیگانه مانند آمریکا و اسرائیل هستند.



فرهنگ انتظار

حجة الإسلام حسین الادری

مسأله انتظار

موضوع انتظار و امید به قیام یک مصلح جهانی که به وضع نابسامان جوامع بشری سامان بخشد و تبعیض ها، بی عدالتی ها، جنگ و خونریزی و مفساد را از محیط زندگی انسانها برچیند، یکی از مسأله‌های است که ادیان و مذاهب مختلف روی آن تکیه می کنند. و آن را عامل مؤثری برای حرکت‌های فردی و اجتماعی دانسته که غالباً به جنبش های ضد استعماری می انجامد.

اما گاهی گفته می شود که چنین انتظاری، افراد را در یک عالم رؤیایی فرو برده و از آن چه در اطراف آنها می گذرد، غافل می سازد و آنها را به فرار از زیر بار مسئولیت‌های اجتماعی تشویق می کند. و به عبارت دیگر از نظر فردی، عاملی است برای رکود و توقف، و از نظر اجتماعی وسیله ای است برای خاموش ساختن جنبش های ضد استعماری، و به هر شکل اثر تخریبی دارد. (۱)

برای این که روشن شود تا چه اندازه در گفتار بالا تحریف حقیقت و واقعیت وجود دارد، بررسی این مسأله لازم است تا دانسته شود اگر مسأله انتظار به طرز صحیح پیاده شود، عامل مؤثری برای حرکت‌های فردی و اجتماعی است، یا عاملی تخریب کننده که سبب رکود می شود. (۲) پیش از آن لازم است معنا و مفهوم انتظار، مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم انتظار

«انتظار» معمولاً به حالت کسی گفته می شود که: از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند. فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند. همچنین است، تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می باشد.

انتظار در بر گیرنده دو حالت است: «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر». بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» علیه السلام و قیام مصلح جهانی نیز در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان «بیگانگی با وضع موجود» و عنصر اثبات «خواهان وضع بهتری بودن» است. (۳)

هر چه این دو عنصر در شخص منتظر تقویت شود، مفهوم انتظار در او بهتر تجلی می کند. بهمین خاطر است که در روایات اسلامی، منتظران واقعی همانند کسانی شمرده شده اند که در خیمه یا زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام بسر می برند، یا کسانی که در راه خدا شمشیر می زنند، یا به خون خود آغشته شده و شهید گشته اند. اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و

عدالت است که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی، همان طور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است انتظار، نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد. (۴)

علاوه بر این، با توجه به روایات مهدویت؛ بهتر می توان مفهوم انتظار را فهمید. در برخی روایات، از انتظار به افضل الاعمال تعبیر شده است. آیا صرف یک حالت درونی، که کار سختی هم نیست، می تواند «افضل الاعمال» باشد؟ و حتی از جهاد با آن همه مشکلات و سختی ها، که جان انسان در خطر می افتد، برتر باشد؟ آیا چنین انسانی مانند کسی است که خون خود را در راه خدا اهداء می کند؟

در پاسخ باید گفت، انتظار چند گونه است:

۱- انتظار دروغین که همراه با هیچ گونه آمادگی نیست و فقط با حرکت زبان است.

۲- انتظار راستین که آمیخته با آمادگی هایی می باشد که این خود درجاتی دارد. همانند نیروهای نظامی که وقتی به آنها آماده باش می دهند گاه در آماده باش ۷۰٪، و گاه در آماده باش کامل ۱۰۰٪، به سر می برند.

برخی از منتظرین آمادگی ناقصی دارند، برخی دیگر آمادگی نسبتاً کاملی دارند و گروهی نیز آمادگی ۱۰۰٪ و کامل دارند. کدام یک از این منتظرین مشمول افضل الاعمال هستند؟

بدون شک کسانی که آمادگی کامل دارند به این مقام رفیع و بلند نائل می شوند؛ نه هر کسی که مدعی انتظار باشد. مگر می شود ما منتظر میهمانی بس عزیز و عالیقدر باشیم و عمری را در انتظار مقدم او به سر بریم، ولی حتی ابتدایی ترین اسباب و وسایل پذیرایی را فراهم نکرده باشیم؟ اگر چنین شخصی مدعی انتظار باشد، در حالی که هیچ آمادگی ندارد، مردم در عقل او شک می کنند!

از سوی دیگر انتظار اشکال گوناگون دارد؛ انتظار شخصی که منتظر یک میهمان است، با انتظار کسی که منتظر صد میهمان می باشد متفاوت است، انتظار یک شخص عادی با انتظار امامی که برترین انسان روی زمین است و برای برپایی حکومت جهانی و گسترش عدالت و قسط می آید بسیار متفاوت است. اگر اشکال مختلف انتظار فرج را بررسی کنیم اعتراف خواهیم کرد که این انتظار، بزرگترین، با شکوهترین و پرارزشترین انتظار در طول تاریخ بشریت است! (۵)

البته این در صورتی خواهد بود که معنا و مفهوم واقعی انتظار، تحریف و مسخ نشود و عده ای نگویند: اگر شرط ظهور آن مصلح بزرگ پر شدن زمین از ظلم و فساد است، پس چرا ما در این عصر و زمان، با فساد مبارزه کنیم و با ظلم و ستم بجنگیم؟ یا چرا با امر به معروف و نهی از منکر، آن انقلاب بزرگ را به تأخیر افکنیم؟ نه تنها نباید در جهت اصلاح گام برداشت بلکه برای تسریع آن ظهور، باید به فساد بیشتر کمک نمود، تا شرط ظهور آن مصلح بزرگ زودتر تحقق یابد!

در این صورت، انتظار ظهور نه تنها مانع ظلم و فساد نمی شود بلکه مردم را به همکاری با ظالمان و ستمگران تشویق می کند و این خود موهبت بزرگی برای استعمار و استعمارگران خواهد بود که استعمارشدگان با دست خود زنجیر را به گردن خویش افکنند!

ولی باید توجه داشت، این یک نوع سفسطه و مغالطه خطرناکی است که از تحریف مفهوم انتظار سرچشمه می گیرد؛ زیرا چنانچه ما به ظلم و فساد کمک کنیم، بی شک در صف مخالف قرار خواهیم گرفت؛ مگر نه این است که ظهور مصلح جهانی برای ریشه کن ساختن ظلم و ستم از کره زمین است؟

به تعبیر دیگر معقول نیست ما به تسریع انقلابی کمک کنیم که خود جزو تصفیه شدگان آن خواهیم بود و این مانند آن

است که آتشی برافروزیم که پس از شعله ور شدن، دامن خود ما را خواهد گرفت.

بنابراین اگر می خواهیم صف خود را از هم اکنون مشخص کنیم و جزو عناصر مصلح باشیم، باید از هم اکنون حساب خود را از فساد جدا سازیم، که به ظلم و ستم کمک کردن، اگر آن انقلاب را تسریع کند مجازات ستمکار را نیز تسریع خواهد کرد.

بنابراین آن چه برای تسریع ظهور مصلح جهانی لازم است، وجود ظلم و فساد در سراسر زمین نیست، بلکه آمادگی و تشنگی لازم است. البته نمی توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از علل آمادگی و تشنگی خواهد بود، چون هنگامی که مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض ها و بی عدالتی ها را بچشند، ناراحت می شوند و در جستجوی طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام بر می دارند.

همه از ظلم و ستم خسته شده رهروی راهبری می جویند! خلاصه اینکه: انتظار یعنی آمادگی کامل. (فکری و عملی) انتظار یعنی «بیگانگی با ظلم» و «تلاش برای عدالت».

فلسفه و ضرورت انتظار

پس از روشن شدن معنا و مفهوم انتظار، ممکن است برای شما نیز این سؤال پیش آید که: سخن از آینده جهان بشریت و انتظار آن، چه نتیجه ای برای امروز ما می تواند داشته باشد؟ امروز با هزاران مشکلات و گرفتاری دست بگریبانیم و باید برای پیروزی بر این مشکلات بیندیشیم، ما را با فردا چه کار؟ آینده بالاخره خواهد آمد، خوب باشد یا بد، آنها که تا آن روز زنده اند از مواهبش برخوردار می شوند، و آنها که نیستند خدا رحمتشان کند! به هر حال، این مسأله فعلاً «نسیه» است و اثر مثبت و سازنده‌ای در زندگی امروز ما ندارد! اینجاست که سخن از فلسفه انتظار به میان می آید.

حقیقت اینست که، کسانی اینگونه سخن می گویند که همیشه با دید سطحی حوادث را می نگرند، و تصوّر می کنند امروز انسان از دیروز و فردای او جدا است؛ و جهان را مرکب از واحدهای پراکنده و از هم گسسته می پندارند. ولی با توجه به این که ریشه های «حوادث امروز» در گذشته است و آینده را هم از امروز باید بسازیم، و این که توجه به یک آینده «تاریک» یا «درخشان» انعکاس فوری در زندگی امروز و موضع گیری های ما در برابر حوادث دارد، روشن می شود که ما به خاطر امروز هم که باشد باید گذشته و آینده را مورد بررسی دقیق قرار داده و به آینده امیدوارانه نظر کنیم. بزودی خواهیم دید، این انتظار بزرگ چه اندازه سازنده است.

هر چند جمعی از خاورشناسان اصرار دارند ایمان به وجود یک مصلح بزرگ جهانی را «واکنشی» از وضع نابسامان مسلمانان در دوران های تاریک تاریخ بدانند؛ و حتی اصرار دارند که ایمان به وجود «مهدی» و مصلح جهانی را یک فکر وارداتی تلقی کنند که از عقاید یهود و مسیحیان گرفته شده؛ و یا اینکه جمعی از جامعه شناسان ماتریالیست می کوشند که از مسأله انتظار ظهور مهدی، دلیلی بر عقیده خود ترتیب دهند که این عقیده یک ریشه اقتصادی دارد و برای تخریب افکار توده های به استعمار کشیده شده است.

با تمام این گفتگوها، باید توجه داشت که اعتقاد به چنین ظهوری یک ریشه فطری در همه نهادها دارد که در اعماق عواطف انسان نفوذ کرده است؛ و علاوه بر این دارای یک ریشه اصیل اسلامی است که در منابع مهم اسلامی دیده می شود. یعنی مضاف بر یک احساس نیاز درونی، در روایات اسلامی دعوت شده ایم تا این حس نیاز را شکوفا کرده و مورد توجه قرار دهیم. و این خود بیانگر میزان اهمیت دین مبین اسلام به مسأله انتظار و مهدویت است.

اهمیت انتظار در روایات

عقیده انتظار و مهدویت در عقاید اسلامی وسعت فوق العاده‌ای دارد و به عنوان یک مساله مهم شناخته شده است که اهمیت آن طبق احادیث و روایات اسلامی واضح و روشن است.

شخصی از امام صادق(علیه السلام) پرسید: درباره کسی که دارای ولایت امامان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود چه می گوید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ - ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً - ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ (او به منزله کسی است که با رهبر این قیام در خیمه‌ها ش باشد، و پس از کمی سکوت فرمود: مانند کسی است که با پیامبر بوده است). (۶) نظیر همین مطلب در روایات دیگر نیز وارد شده. در بعضی: «بِمَنْزِلَةِ الصَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۷)؛ (همانند شمشیرزنی در راه خدا). و در بعضی دیگر: «كَمَنْ قَارَعَ (۸) مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ» (۹)؛ (مانند کسی است که در خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد). و در بعضی دیگر: «بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ» (۱۰)؛ (همانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند). و در بعضی دیگر: «بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (۱۱)؛ (همانند کسی است که با پیامبر شهید شود).

این تشبیهات مختلف که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات مختلف وارد شده، بسیار پرمعنا و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه بین مسأله انتظار و جهاد و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود وجود دارد؛ گاهی همانند کسی که در زیر پرچم اوست، گاهی همانند مجاهدان در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله، گاهی همانند

شهیدان.

در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفتی شده است، از جمله در حدیثی می خوانیم که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (۱۲) و در حدیث دیگری از پیامبر(صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ (بهترین اعمال امت من انتظار فرج است). (۱۳)

این حدیث اعم از این که «انتظار فرج» را به معنای وسیع کلمه، شامل شود و یا به مفهوم خاص، یعنی «انتظار ظهور مصلح جهانی» باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می سازد. (۱۴)

علاوه بر این در کتاب «کمال الدین»، از «ابو بصیر» از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که فرمود: «طُوبَى لِشَيْعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلَىٰكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ»؛ (خوشا به حال پیروان قائم ما، که در غیبتش (با خود سازی) انتظار ظهورش را می کشند، و به هنگام ظهورش مطیع فرمان اویند، آنها اولیای خدا هستند، همان ها که نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند). (۱۵) و در حدیث دیگری از امام علی(علیه السلام) می خوانیم: «الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (کسی که در انتظار ظهور ما باشد مانند کسی است که در میدان جهاد به خون آغشته است). (۱۶) دو تفسیر برای این روایت می توان ذکر کرد؛ که منافاتی با یکدیگر ندارد.

۱- منتظران ظهور اعمالی انجام می دهند که نتیجه اش با نتیجه جهاد در راه خداوند یکی است؛ همان گونه که حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «جهاد باعث عظمت و علو و سربلندی دین و نصرت حق و عدالت می شود». (۱۷)

نتیجه انتظار منتظران واقعی نیز همین

امور است، انتظاری که در پرتو آن خودسازی و اجرای احکام اسلام و رسانیدن ندای دین با استفاده از قلم و بیان و تمام وسایل روز به اقصی نقاط عالم تحقق یابد. هر چند برخی از افراد، فقط با تکرار این جمله «آقا! در ظهورت شتاب کن»؛ خود را منتظر می دانند! برخی دیگر، انتظار را فقط در خواندن دعای «ندبه» و زیارت «آل یاسین» و مانند آن خلاصه کرده اند. برخی علاوه بر این، به مسجد مقدس جمکران نیز مشرف می شوند، و همین را کافی می دانند!

این گونه تفسیرها از انتظار، سبب می شود که وقتی چنین روایات پرمعنایی را می بینیم تعجب کنیم و از خود بپرسیم: «که چطور ثواب یک دعا، با تلاش مجاهدی که در خون خود غلطیده برابر است؟!». اما اگر انتظار را به آماده سازی مردم سراسر جهان برای ظهور آن حضرت تفسیر کنیم، انتظار معادل جهاد بلکه گاهی ابعاد گسترده تر دارد!

۲- اگر تفسیر بالا را بعد بیرونی انتظار بدانیم، بعد درونی انتظار؛ همان جهاد با نفس است. ما باید خود را بسازیم و آماده کنیم، چون او مجری عدالت است. من اگر ظالم باشم چگونه می توانم منتظر ظهور او باشم. او طیب و طاهر است، من اگر آلوده باشم چگونه مدعی انتظار اویم و ... بنابراین انتظار واقعی در صورتی تحقق می یابد که جهاد با نفس را انجام دهیم و چنان ساخته شویم که لایق سربازی آن حضرت گردیم. روشن است که جهاد با نفس به مراتب سخت تر از جهاد با دشمن است، به همین جهت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن حدیث مشهور خطاب به مسلمانانی که از جنگی سخت برگشته بودند فرمود: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، قَالُوا: وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: الْجِهَادُ مَعَ النَّفْسِ». (۱۸)

نتیجه این که انتظار باید در بعد درونی

و بیرونی آن برای مردم تفسیر شود تا به صورت بی محتوا در نیاید و در محدوده دعا خلاصه نشود. اگر ما در انتظار مهمان محترمی باشیم، چه می کنیم؟ هم خود را تمیز می کنیم و هم خانه تکانی می نماییم. آیا منتظران امام زمان - عجل الله فرجه - نباید خانه تکانی کنند؟! (۱۹)

چه نیکوست در این راستا، از حسّ نیاز درونی انسان به یک منجی و انتظار ظهورش در آینده بهره برده و علاوه بر تهذیب نفس، این احساس فطری را شکوفا کنیم.

انتظار، در اعماق سرشت آدمی

آری، برخلاف گفته کسانی که فکر می کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را، شکست ها و ناکامی ها و نابسامانی ها می پاشد؛ عشق به این موضوع مربوط به اعماق وجود آدمی است. به تعبیر دیگر، انسان از دو راه - از راه عاطفه و خرد - سرانجام در برابر چنین مسأله ای قرار می گیرد و سرورش این ظهور را با دو زبان «فطرت و عقل» می شنود. و به عبارت روشن تر، ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشق ها به ناکامی می گراید و به شکست محکوم می شود.

شاید این سخن نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد و آن اینکه می دانیم «عشق به تکامل» شعله جاویدانی است که سراسر وجود انسان را در بر گرفته؛ او می خواهد بیشتر بداند؛ بیشتر از زیبایی ها ببیند؛ بیشتر از نیکی ها بهره برد. خلاصه اینکه، علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و صلح و عدالت، علاقه ای است اصیل، همیشگی و جاودانی؛ و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است.

چگونه ممکن است عشق به تکامل

همه جانبه در درون جان انسان باشد و چنین انتظاری نباشد! مگر تکامل جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است! هیچگاه پیدایش این انگیزه ها را نمی توان با عوامل اجتماعی و روانی پیوند داد. گرچه این عوامل در تضعیف یا دامن زدن به آن ها سهم مهمی دارند؛ ولی اصل وجود آنها، جزء روان انسانها و جزء ابعاد اصلی روح اوست؛ به دلیل این که هیچ جامعه و هیچ ملتی هرگز از این انگیزه ها تهی نبوده است. (۲۰)

فطرت و «صلح و عدالت جهانی»

عشق به صلح و عدالت در درون جان هر کسی هست؛ همه از صلح و عدل لذت می برند؛ و با تمام وجود خود خواهان جهانی مملو از این دو هستند. با تمام اختلاف هایی که در میان ملتها و امتهای در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشقها و علاقه ها، خواست ها و مکتب ها، وجود دارد؛ همه بدون استثنا سخت به این دو علاقه مندند، و گمان می کنم دلیلی بیش از این برای فطری بودن آنها نیاز نیست؛ چه اینکه همه جا عمومیت خواسته ها دلیل بر فطری بودن آنهاست. فطرت و نهاد آدمی بوضوح صدا می زند که سرانجام، صلح و عدالت، جهان را فرا خواهد گرفت؛ و بساط ستم برچیده می شود؛ چرا که این خواست عمومی انسانها است. (۲۱)

علاوه بر ملت ها، عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است زیرا چیزی که زاینده شرایط خاص و محدودی است نمی تواند اینچنین عمومی باشد. تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند؛ و اینها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد. (۲۲)

فطرت و وجود مصلحی بزرگ

هر عشق اصیل و فطری حاکی از وجود معشوقی در خارج و جاذبه و کشش آن

است. (۲۳) یعنی اگر تشنه می شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که «آبی» وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار داده است. اگر علاقه ای به جنس مخالف داریم دلیل بر وجود جنسی مخالف در بیرون ماست؛ و اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم دلیل بر این است که زیبایی ها و دانائی هایی در جهان هستی وجود دارد. و از اینجا به آسانی نتیجه می گیریم که اگر انسان ها انتظار مصلح بزرگی را می کشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست. (۲۴)

«اسناد و مدارک» موجود نشان می هد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی، در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است، (اگر چه در پاره‌ای از مذاهب همچون اسلام تأکید بیشتری روی آن شده است). و این خود دلیل و گواه دیگری بر فطری بودن این موضوع است. (۲۵)

در اینجا ما به عنوان نمونه برخی از اقوام و مذاهب که به ظهور مصلحی بزرگ معتقدند، اشاره می کنیم.

انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ

تقریباً تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می برند که هر کدام او را به نامی می نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق دارند.

در اینجا به قسمتی «کاملاً فشرده» از باز تاب این عقیده در میان اقوام و ملل مختلف، می پردازیم:

پرتوی در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقات آن)

۱- در کتاب «مزامیر داوود» مزمور ۳۷ چنین می خوانیم: «... زیرا که شیریران منقطع خواهند شد، و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان،

بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود؛ اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد!

۲- و نیز در همان مزمور ۳۷ (از مزامیر داوود) جمله ۲۲ می خوانیم: «زیرا (متبرکان خداوند) وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.»

۳- و نیز در جمله ۲۹ در همان مزمور آمده است: «صدیقان وارث زمین شده ابدأ در آن ساکن خواهند شد.»

۴- در کتاب «حقوق» نبی، فصل ۷، می خوانیم: «... و اگرچه تأخیر نماید؛ برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ خواهد نمود؛ بلکه جمیع امتها را نزد خویش جمع می کند؛ و تمامی را برای خویشتن فراهم می کند.»

۵- در کتاب «اشعیای نبی»، فصل ۱۱، در بحثی که سراسر تشبیه است می خوانیم: «و نهالی از تنه یسی (۲۶) بر آمده شاخه ای از شاخه هایش قد خواهد کشید ... ذلیلان را به عدالت حکم؛ و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود ... کمربند کمربند عدالت، و وفا نطق میانش خواهد بود؛ و گرگ با بره سکونت داشته، ... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود ... و در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که زمین از دانش خداوند، مثل آبهایی که دریا را فرو می گیرند، پر خواهد شد.»

نشانه هایی در کتب عهد جدید (اناجیل وملحقات آن)

۱- در انجیل «متی»، فصل ۲۴، می خوانیم: «چون که برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را برابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم! و فرشته های خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگان را جمع خواهند نمود.»

۲- و در انجیل «لوقا»، فصل دوازدهم، آمده است: «کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را فروخته دارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بیدرنگ برای او باز کنید!»

تجلی این برنامه در کتب زرتشتیان

۱- در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزه همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» می خوانیم: «... آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود؛ و اهریمنان رامنقرض می سازند ... پس از پیروزی ایزدان، و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست!»

۲- «جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه» از زردشت نقل می کند که می گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان ... مردی بزرگ سر، و بزرگ تن، و بزرگ ساق، و بر آئین جدّ خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهد، و آبادانی کند و زمین را پردازد کند.»

جلوه گاه این عقیده در کتب هندیان و برهمنیان

۱- در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها چنین آمده است: «سرانجام دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاصّ او باشد. و نام او «فرخنده و خجسته» باشد!»

۲- در کتاب دیگری به نام «دیده» آمده است: «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد؛ و نام او «منصور» باشد، و تمام عالم را بگیرد؛ و به آئین خود آورد.»

۳- در کتاب «دداک» از کتب مقدسه برهمنیان آمده است: «... دست حق در آید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد همه جا؛ و خلائق را هدایت کند.»

۴- در «پاتیکل» از کتب هندوان آمده است: «چون مدّت روز تمام شد، و دنیای

کهنه نو شود؛ و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود؛ از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخر زمان و دیگری و حتی بزرگ وی که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» باشد؛ بحق پادشاه شود، و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.»

۵- در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر زمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد؛ و راستی حق با او باشد، و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آنچه باشد خبر می دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید!»

این عقیده در میان چینیان و مصریان و مانند آنها

۱- در کتاب «علائم ظهور» (۲۷)، می خوانیم: قسمت اعظم ترجمه متن های پهلوی «صادق» درباره ظهور و علائم ظهور است و اگر روی هم رفته نیز به همه متون پهلوی صادق توجه کنیم باید بگوییم تماماً جنبه مذهبی دارد. «... موضوع ظهور و علائم ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمّیت خاصی است، به قول «صادق»: «صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی آن وقتی که از همه ناامید می شود و می بیند که با وجود اینهمه ترقیبات فکری و علمی شگفت انگیز باز متأسفانه بشریت غافل و بی خبر، روز به روز، خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند، و بیشتر از خداوند بزرگ دوری می جوید، و بیشتر از اوامر او سرپیچی می کند، بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید!»

از این رو در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دلهای خدا پرستان وجود داشته است و این آرزو نه

تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند زردشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان سابقه دارد؛ بلکه آثار آن را در کتابهای قدیم چینیان، و در عقاید هندیان؛ و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم؛ و بومیان و حتی مکزیک؛ و نظایر آنها نیز می توان یافت.»

لازم به یادآوری است که کتاب «زند، و هومن یسن» و چند کتاب دیگر زردشتی و از جمله دو باب آخر جاماسب نامه مشتمل بر پیشگویی زردشت از زبان جاماسب حکیم به «گشتاسب» پادشاه وقت که به آئین زردشت گروید راجع به موعود آخر زمان، توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی برگردانده شده، و به وسیله حسن قائمیان دوست و هم قلم هدایت به نام «علائم ظهور» منتشر گردیده است.

شعاع این فکر در میان غربیها

۱- عقیده به ظهور یک رهایی بخش بزرگ و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان ها، و حکومت حق و عدالت منحصر به شرقی ها و مذاهب شرقی نیست؛ بلکه یک اعتقاد عمومی و جهانی است که چهره های مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده می شود، و همه روشننگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشه ای در فطرت و نهاد انسانی؛ و در دعوت همه پیامبران، داشته است.

در کتاب «دیباجه ای بر رهبری» ضمن بیان وجود انتظار ظهور یک منجی بزرگ در میان اقوام مختلف غربی، و بهره برداری پاره ای از افراد از یک چنین انتظار عمومی، نام پنج نفر از مدعیان را که از انگلستان برخاستند به عنوان:

«جیمز نایلسور» و «یوحنا سوئکات» و «ریچارد برادرز» و «جان نیکولز تام» و «هنری جیمز پرینس» را ذکر می کند، و از «برنارد باربر» جامعه شناس آمریکایی در رساله «نهضت منجی گری» وجود چنین اعتقادی را، حتی در میان سرخ پوستان آمریکایی نقل کرده می گوید:

در میان قبائل سرخ پوست آمریکائی ... این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد شد ...

تنها تا پیش از سال ۱۸۹۰ بالغ بر بیست نوع از این نهضت ها در تاریخ آمریکا ضبط شده است. در بحثی که از کتاب «علائم الظهور» سابقاً آوردیم تصریح شده بود که: آثار این عقیده را در میان اهالی اسکانندیناوی و بومیان مکزیک و نظایر آنها نیز می توان یافت. (۲۸)

از مجموع آنچه تاکنون گفتیم نتیجه می گیریم که این انتظار جنبه منطقه ای ندارد؛ انتظاری است همه گیر و گسترده و در سطح جهانی، و سرانجام شاهدهی است بر فطری بودن این اعتقاد. (۲۹)

آثار سازنده انتظار

اکنون که انتظار را یک عقیده فراگیر یافتیم و در تعلیمات اسلامی نیز از قطعی ترین مباحثی است که مطرح شده، و عموم فرق اسلامی در این زمینه متفقند و احادیث در این زمینه متواتر می باشد. به سراغ پیامدهای این انتظار در وضع کنونی جوامع اسلامی می رویم تا ببینیم: آیا ایمان به چنین ظهوری، انسان را چنان در افکار رؤیائی فرو می برد که از وضع موجود خود غافل گردیده و تسلیم هر گونه شرائطی می شود؟

یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟ (۳۰)

برخی از پیامدها یا به عبارتی آثار سازنده آن از این قرار است:

الف) خودسازی فردی

حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند؛ و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری

برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظری ها، کوته بینی ها، کج فکری ها، حسادت ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه، و بطور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتماً در صف اصلاح طلبان واقعی قرار گیرد.

ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر، بر خورداری از شهامت و آگاهی کافی است. من اگر ناپاک و آلوده ام چگونه می توانم منتظر تحوّل و انقلابی باشم. من اگر ظالم و ستمگرم چگونه

ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روزشماری کنم! آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگی ها کافی نیست!

ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد، حتماً به حالت آماده باش کامل در می آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می آورد؛ سنگرهای لازم را می سازد؛ آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می کند؛ و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه ای را در دل فرد سربازانش زنده نگه می دارد؛ ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست، هرگز در انتظار به سر نمی برد. انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است.

فکر کنید چنین آماده باشی چقدر

سازنده است! اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست! کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد! آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست‌ناپذیر، فوق‌العاده، پاک و بلند نظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق، لازم است؛ و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است؛ این است معنی انتظار واقعی؛ آیا هیچ کس می‌تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست!

ب) خودپاری‌های اجتماعی

منتظران راستین در عین حال، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامه‌ای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دست‌جمعی و همگانی باشد؛ کوشش‌ها و تلاش‌ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دست‌جمعی هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظف است هر نقطه ضعیفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند؛ و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید؛ و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست. بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند. این است اثر سازنده دیگر برای انتظار قیام یک مصلح جهانی! و این است فلسفه آنهمه

افتخارات و فضیلت‌ها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

ج) حل‌نشدن در فساد محیط

هنگامی که فساد فراگیر می‌شود، و اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن بست است که از یأس از اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. گاهی آنها فکر می‌کنند، کار از کار گذشته و دیگر آمیدی برای اصلاح نیست، و تلاش و کوشش برای پاک‌نگهداشتن خویش بیهوده است؛ این نومی‌دی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت‌نشدن را موجب رسوایی بدانند. تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت کند و نگذارد در محیط فساد حل‌شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاک‌ی خویش و حتی برای اصلاح دگران بر نخواهند داشت.

و اگر می‌بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش. یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد، تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا این قدر مهم تلقی شده - مهمتر از بسیاری از گناهان - فلسفه اش در حقیقت همین است که گناه کار مایوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی‌بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطقی او این است: «آب از سر من گذشته است، چه یک قامت چه صد قامت - من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است - بالاتر از سیاهی، رنگ دگر نباشد؛ آخرش جهنم است من که هم اکنون آن را برای خود خریده‌ام؛ دیگر از چه چیز می‌ترسم!»

اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده

شود، امید به عفو پروردگار و امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او پیدا می‌شود و چه بسیار او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌نماید. (۳۱) به همین دلیل، امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت؛ همچنین افراد صالحی که در محیط‌های فاسد گرفتارند، بدون امید نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند. (۳۲)

د) زمینه‌سازی برای ظهور

این اشتباه بزرگ را باید به طور کامل از مغزها بیرون کرد که مصلح بزرگ جهانی برنامه‌ای دارد که تمام اصولش بر محور معجزات دور می‌زند، همه پیروزیها و فتح‌ها، انقلاب‌ها و اصلاح‌ها، دگرگونی‌ها و تحوّل‌هایش روی اصول اعجاز صورت می‌گیرد، او و چند نفر به پا می‌خیزند، در حالی که سایرین تماشاچی خواهند بود، دنیایی را که هیچ‌گونه آمادگی برای حکومت واحد عادلانه جهانی بر اساس عالی‌ترین ارزش‌های انسانی ندارد، یک شبه، با دم مسیحایی آماده می‌کنند، و برق آسا عناصر غیر قابل اصلاح را نابود، و همه افکار را به سطح بالا می‌کشند، و پرچم حق و عدالت را در سراسر عالم به اهتزاز در می‌آورند.

نه هرگز چنین نیست؛ مگر سایر پیامبران الهی و مصلحان آسمانی چنین برنامه‌ای داشته‌اند که او هم داشته باشد؟! مگر او یک استثنا در عالم خلقت است؟! مگر شخص پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌از تمام امکانات و اسباب طبیعی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نمی‌کرد؟! مگر در میدان نبرد، هیچ‌یک از محاسبات و نقشه‌ها را از نظر دور می‌داشت؟! بنابراین شکی نیست او هم تا آن جا که ممکن است از عوامل و اسباب طبیعی استفاده می‌کند، و امدادهای خاص الهی مخصوص به موارد نارسایی این اسباب است.

با در نظر گرفتن این حقیقت، روشن می‌شود که آماده ساختن زمینه برای چنان تحوّل، از شرایط نخستین آن تحوّل است.

طرق آماده شدن زمینه‌ها:

برای فراهم شدن زمینه‌ها، جهت یک حکومت جهانی بر اساس ارزش‌های انسانی، باز باید از دو اصل «نفی» و «اثبات» استفاده کرد:

۱- عواملی که مردم جهان را از وضع موجود آگاه و از سرانجام این همه مظالم و ستمگری‌ها مطلع و بالاخره متنفر و بیزار می‌سازد.

۲- عواملی که مردم را برای پذیرش اصول چنان حکومتی آماده می‌کند.

در قسمت اول، افزایش عکس‌العمل‌های ظلم و فساد و ناراحتی‌ها و بن‌بست‌های ناشی از آن، عامل مهمی محسوب می‌شود، سرخوردگی شدید از وضع نابسامان جهان که زاییده اتکای بیش از حد، بر جنبه‌های زندگی مادی و فراموش کردن جنبه‌های معنوی و انسانی است، به قدر کافی مردم جهان را نسبت به آینده این اوضاع بدبین می‌سازد و آن تنفر و این بدبینی، جوّ مساعدی را برای قبول چنان حکومتی فراهم می‌کند.

در قسمت دوم باید آموزش قابل ملاحظه‌ای در سطح جهانی درباره چنین برنامه‌ای انجام گیرد، تا عناصر قابل اصلاح، زمینه فکری مساعدی برای اصلاح پیدا کنند و نسبت به آنهایی که عناصر غیر قابل اصلاحند به اصطلاح اتمام حجت شده باشد و به این ترتیب صفوف دو طرف مشخص گردد.

در اخباری که در بعضی از منابع اسلامی وارد شده به این موضوع اشاره گردیده که قبل از قیام آن مصلح بزرگ، باید تعلیمات اسلام در سطح جهانی تبلیغ گردد و حجت بر همه تمام شود؛ چنان که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «سَتَخْلُوا كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جَاجِرِهِ» (۳۳) ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قَمٌ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا ... فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتَمُّ اللَّهُ حُجَّتَهُ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۳۴)

در این حدیث جالب، امام چنین پیشگویی می‌کند که: «به زودی علم و دانش از کوفه برچیده می‌شود ... سپس در شهری به نام «قم» آشکار می‌گردد و معدن علم و دانش می‌شود، تا در سراسر زمین افرادی که از اسلام آگاهی ندارند، باقی‌نمانند، حتی زنانی که به حجله می‌روند (و کم سن و سالند) و این به هنگام نزدیک شدن قیام رهبر انقلابی ماست ... علم و دانش از این شهر به سایر شهرها در شرق و غرب جهان سرازیر خواهد شد و خداوند بدین وسیله حجت خود را بر مردم تمام می‌کند، تا کسی روی زمین باقی‌نماند که این آگاهی به او نرسیده باشد، سپس آن قیام‌کننده قیام خواهد کرد».

در این جا کاری به این موضوع نداریم که مخالفان ما پیشگویی فوق‌را بپذیرند یا نپذیرند، هدف این است که منتظران واقعی طبق حدیث فوق معتقد به لزوم یک انقلاب فرهنگی دامنه‌دار و گسترده از نظر مفاهیم و تعلیمات اسلام در سراسر جهان هستند، که قبل از قیام حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) باید انجام گیرد و طبیعی است که چنین انقلاب سازنده‌ای باید به دست منتظران واقعی صورت گیرد و روزی فرا رسد که از مراکز بزرگ علمی اسلام با نیرومندترین دستگاه‌های ارتباط جمعی و مجهزترین وسایل تبلیغاتی، یک اصلاح همه‌جانبه در سراسر جهان انجام پذیرد، آیا اعتقاد به چنین مسئولیتی تخدیرکننده است یا محرّک؟

از آن چه گفتیم چنین نتیجه می‌گیریم که انتظار به مفهوم واقعی کلمه یک برنامه فوق‌العاده سازنده در تمام زمینه‌ها اعم از زمینه‌های فردی و اجتماعی است و هیچ جای ابهام در این بحث نیست.

نتیجه

نتیجه این که، انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود؛ امید ظهورش بیشتر می‌گردد اثر فزاینده روانی در منتظران دارد. و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند؛ آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مایوس تر نمی‌شوند، بلکه به مقتضای:

وعده وصل چون شود نزدیک *** آتش عشق تیزتر گردد

وصول به هدف را در برابر خویش می‌بینند و کوشش‌هایشان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می‌گردد.

از مجموع بحث‌های گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تخدیری انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود - همان‌گونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده‌اند؛ اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرّک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تایید می‌کند، این است که در ذیل آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (۳۵)؛ (خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد ...) از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هوالقائم و اصحابه»؛ (مهدی و یاران او هستند).

و در حدیث دیگری می‌خوانیم: «نزلت فی المهدی»؛ (آیه درباره مهدی نازل شده است) در حالی که در این آیه مهدی و یارانش به عنوان «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ

عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ» معرفی شده اند.

بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم، که هر گونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازند و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه ای هستند، هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح خویش و اعمال خود بکوشند.

تنها چنین کسانی هستند که می توانند نوید زندگی در حکومت او به خود دهند، نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند! و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه اند! نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می ترسند! و نه افراد سست و بی حال و بی کاره‌ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط زندگی و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاشی در راه مبارزه با فساد ندارند. (۳۶)

منابع و مآخذ

- (۱). ماتریالیستها و کمونیستها بر این باورند.
- (۲). پیدایش مذاهب، ناصر مکارم شیرازی، ص ۱۱۳، توضیح و بررسی .
- (۳). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، ج ۷، ص ۳۸۲، مفهوم انتظار؛ پیدایش مذاهب، ص ۱۱۶، توضیح و بررسی؛ حکومت جهانی مهدی (عج)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۸۵، مفهوم انتظار.
- (۴). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، ج ۷، ص ۳۸۳، مفهوم انتظار.
- (۵). یکصد وده سرمشق از سخنان حضرت علی(علیه السلام)، ناصر مکارم شیرازی تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۹۴، ۳۲ بهترین اعمال.
- (۶). بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۵۲، ص ۱۲۵، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)
- (۷). همان، ص ۱۲۵، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)
- (۸). « قرع بسیفه» یعنی با شمشیرش بر فرق دشمن کوبید.
- (۹). بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۵۲، ص ۱۲۶، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۰). همان، ص ۱۲۲، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۱). همان، ص ۱۴۲، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۲). همان، ص ۱۲۸، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۳). همان، ص ۱۲۵، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۴). پیدایش مذاهب، ناصر مکارم شیرازی، ۱۱۵، توضیح و بررسی.

(۱۵). تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۳۰۹، (سورة یونس، الآیات ۴۷ الی ۶۲)؛ کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۳۵۷، ۳۳ باب (ما روی عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام من النص علی القائم علیه السلام و ذکر غیبتته و أنه الثانی عشر من الأئمة علیهم السلام)؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۵۲، ص ۱۵۰، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۹، اولیاء الله چه کسانی هستند؟ .

(۱۶). بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۵۲، ص ۱۲۳، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج و مدح الشیعة فی زمان الغیبة و ما ینبغی فعله فی ذلك الزمان)

(۱۷). نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: للصبحی صالح، ص ۵۱۲، قصار [۲۴۹] ۲۵۲ .

(۱۸). وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۵، ص ۱۶۱، ۱ باب (وجوبه) .

(۱۹). یکصد وده سرمشق از سخنان حضرت علی(علیه السلام)، ناصر مکارم شیرازی تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۲۶۹، نقش انتظار فرج در زندگی ما.

(۲۰). حکومت جهانی مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۸۶، انتظار در اعماق سرشت آدمی .

(۲۱). همان، ص ۵۱، ۱ عشق به صلح و عدالت .

(۲۲). همان، ص ۸۹، انتظار در اعماق سرشت آدمی.

(۲۳). پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان،

ناصر مکارم شیرازی، ص ۳۱۳، درس دهم حضرت مهدی دوازدهمین پیشوا و مصلح بزرگ جهانی .

(۲۴). حکومت جهانی مهدی(عج)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۸۸، انتظار در اعماق سرشت آدمی .

(۲۵). همان، ص ۵۱، ۲ انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ .

(۲۶). « یسی» به منی «قوی» نام پدر حضرت داوود است(نقل از قاموس مقدس).

(۲۷). حکومت جهانی مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۵۷، این عقیده در میان چینیان و مصریان و مانند آنها .

(۲۸). در این بخش از کتاب های: «علائم الظهور»، «شکوفه های امید» و «دیباچه ای بر رهبری» استفاده شده است.

(۲۹). حکومت جهانی مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۵۹، شعاع این فکر در میان غربیها .

(۳۰). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، ج ۷، ص ۳۷۹، اثرات سازنده انتظار ظهور مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

(۳۱). حکومت جهانی مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۱۰۰، ۳ حل نشدن در فساد محیط؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، ج ۷، ص ۳۸۷، فلسفه سوم - منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند .

(۳۲). همان.

(۳۳). از این جمله چنین استفاده می شود که علم به کلی از کوفه(و اطراف آن) برچیده نمی شود، بلکه محدود و جمع می گردد و از صورت یک واحد علمی جهانی به صورت یک واحد علمی محلی در می آید.

(۳۴). تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی ، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی ، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، ص ۹۶، فصل هشتم؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۵۷، ص ۲۱۳، باب ۳۶ (الممدوح من البلدان و المذموم منها و غرائبها) ، (تاریخ قم را در سال ۳۷۸ هجری « حسن بن محمد» به نام صاحب بن عبّاد تألیف کرد. در حال حاضر عربی آن در دسترس نیست تنها ترجمه فارسی آن که در قرن نهم هجری توسط حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی ترجمه شده در دست است و از ترجمه آن نیز بیش از پنج باب که جلد اول است باقی نمانده است).

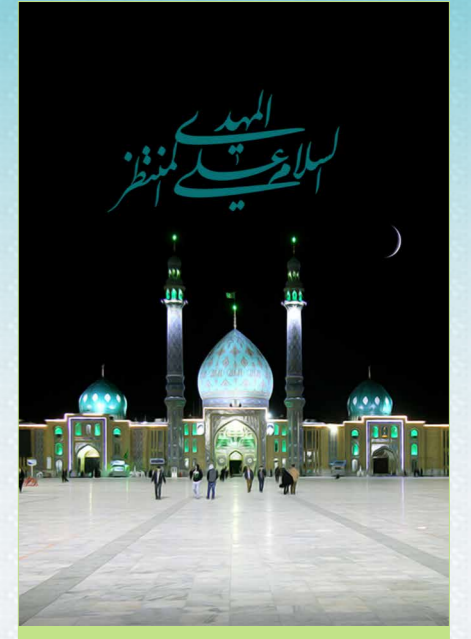
(۳۵). سورة نور، آیه ۵۵.

(۳۶). حکومت جهانی مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ناصر مکارم شیرازی، ص ۱۰۶، ۳ حل نشدن در فساد محیط .

سلام علیکم منتظران



نگاهی به کتاب «حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»



بشر در تاریخ حیات اجتماعی خویش، در مواجهه با مشکلات زندگی اجتماعی و ناکامی از «اجرای عدالت» و «صیانت از صلح جهانی»، از خود می پرسد که آینده صلح و عدالت جهانی چه خواهد شد؟ آیا سرنوشت آینده بشریت، صلح و عدالت و امنیت و آزادی انسان ها از چنگال هر گونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آنگونه که بعضی پیش بینی می کنند، هرج و مرج ها روزافزون، فاصله ها بیشتر، ناهماهنگی ها و نابسامانی ها فراوان تر، و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالمگیر، پایه های تمدن انسانی را ویران خواهد ساخت؟

اگر بنا هست جهان به سوی «عدل» و «صلح» گام بردارد، آیا اجرای این اصول بدون انقلاب ممکن است؟ و به تعبیر دیگر: آیا اصلاحات «تدریجی» و «رفورم ها» توانایی بر دگرگون ساختن چهره عمومی جهان با این همه ناهنجاری ها دارند؟ اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی امکان پذیر است؟

اگر قبول کنیم چنین انقلابی انجام گرفتنی است، رهبر این انقلاب چه صفاتی باید داشته باشد؟ آیا این انقلاب الزاما به «حکومت واحد جهانی» می انجامد؟ آیا آمادگی های قبلی و خاصی برای چنان حکومتی لازم نیست؟

آیا این امور با عقیده عمومی ادیان جهان نسبت به ظهور یک «مصلح بزرگ آسمانی»، ارتباطی دارد؟ بین این اعتقاد عمومی و اعتقاد مسلمانان به ظهور «مهدی موعود» چه نسبتی وجود دارد؟

آیا این فکر و عقیده عمومی مذاهب یک «واقعیت عینی» است و «مولود دلایل منطقی»، یا یک تخیل است برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسانها در مسیر گمشده عمومی یعنی «صلح» و «عدالت»؟ و آیا...

جواب این سؤالات و دغدغه های بشری را در کتاب «حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، از تالیفات گران سنگ حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی خواهید یافت.

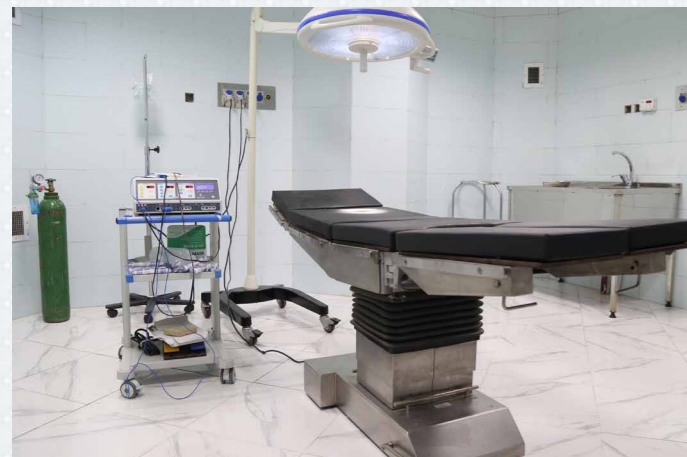
در این کتاب کوشش شده، دور از تعصب و پیشداوری های غیرمنطقی، به این پرسشها پاسخ گفته شود؛ پاسخ هایی که از اعماق جان بجوشد، و با خرد سازگار باشد، و بتواند «عقل» و «عواطف» و «روح» و «جان» را سیراب سازد.

دارالشفاء حضرت مهدی (عج) مسجد مقدس جمکران

- دارالشفای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسجد مقدس جمکران با بهره گیری از پزشکان متخصص در خدمت زائرین و مجاورین این مکان مبارک می باشد.
- دارالشفای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسجد مقدس جمکران با بهره گیری از پزشکان متخصص در بخش های زیر در خدمت زائرین و مجاورین این مکان مبارک می باشد:
- زنان و زایمان
- اعصاب و روان
- گوش و حلق و بینی
- داخلی
- دیابت
- دندانپزشکی
- سونوگرافی
- آزمایشگاه
- رادیولوژی
- داروخانه

● مغز و اعصاب
● پوست
● اطفال

ساعت کاری دارالشفای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف):
همه روزه از ساعت ۸ صبح الی ۹ شب،



روزهای سه شنبه ، پنج شنبه ، جمعه و ایام خاص به صورت شبانه روزی.
(ساعت کاری آزمایشگاه هر روز ۸ الی ۱۵ و ۱۷ الی ۱۹)
آدرس:

قم ، مسجد مقدس جمکران ، روبروی درب ۲.

تلفن: ۳۷۲۵۳۲۹۹

نمابر: ۳۷۲۵۵۲۱۶

جهت هماهنگی و تعیین وقت با شماره تلفن های دارالشفاء تماس حاصل فرمائید.

معارف اسلامی مروری بر بهائیت

ادعای نبوت باب

پرسش: سوال: «علی محمد باب» چگونه ادعای نبوت نمود؟

پاسخ اجمالی: علی محمد باب ادعا می کند ظهورش در ردیف بعثت پیامبران اولوالعزم و نویدبخش دین جدیدی به نام بیان است. در کتاب بیان توضیح می دهد که قیامت پیروان هر کدام از پیامبران با بعثت پیامبر بعدی و دعوت او به دین جدید شکل می گیرد و به همین جهت، ظهور خود را به عنوان به انتها رسیدن اسلام و شروع قیامت برای مسلمانان می داند. بر این اساس او معتقد است هر ظهوری قیامت ظهور قبلی است و شیء تا به مقام کمال نرسد، قیامت آن نمی شود. به همین منوال وی کتاب خود بیان را ناسخ قرآن و دین بیان را ناسخ اسلام می داند.

پاسخ تفصیلی: علی محمد شیرازی، ظهور خود را در ردیف ظهورات سابقه، مانند حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) قرار داده! و معتقد است که با ظهورش، دین جدیدی به نام «بیان» تحقق پذیرفته است.

کیفیت چنین ادعایی از نظر علی محمد شیرازی، در بابالسابع من الواحد الثانی از کتاب بیان فارسی، چنین مورد شناسایی قرار گرفته شده است:

«الواحد الثانی فی بیان یوم القیمه» خلاصه این باب آنکه «مراد از یوم قیامت، ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمی شود که احدی از شیعه، یوم قیامت را

فهمیده باشد؛ بلکه همه موهوماً امری را توهم نموده که عندالله حقیقت ندارد و آنچه عندالله و عند عرف اهل حقیقت مقصود از یوم قیامت است، این است که از وقت ظهورشجره حقیقت در هر زمان به هر اسم، الی حین غروب آن، یوم قیامت است؛ مثلاً از یوم بعثت عیسی تا یوم عروج آن، قیامت موسی بود؛ که ظهورالله در آن زمان، ظاهر بود به ظهورآن حقیقت؛ که جزا داد هر کس مومن به موسی بود به قول خود و هر کس مومن نبود جزا داد به قول خود؛ زیرا که ما شهد الله در آن زمان، ماشهدالله فی الانجیل بود و بعد یوم بعثت رسول الله تا یوم عروج آن، قیامت عیسی بود که شجره حقیقت ظاهر شده در هیکل محمدیه و جزا داد هر کس مومن به عیسی بود و عذاب فرمود به قول خود هر کس که مومن به آن نبود و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب، قیامت رسول الله است که در قرآن خداوند وعده فرموده، که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاول (صح الاولی (سنه هزار و دویست و شصت، که سنه هزار و دویست و هفتاد بعثت می شود، اول یوم قیامت قرآن بوده، و الی غروب شجره حقیقت، قیامت قرآن است؛ زیرا که شیء تا به مقام کمال نرسد، قیامت آن نمی شود و کمال دین اسلام الی اول ظهورمنتهی شد و از اول ظهورتا حین غروب آغاز شجره اسلام، آنچه هست ظاهر می شود. و قیامت «بیان» در ظهورمن یظهروه الله هست؛ زیرا که امروز «بیان» در مقام نطفه است و در اول ظهورمن یظهروه الله، آخر کمال «بیان» است. ظاهر می شود که ثمرات اشجاری که غرس کرده بچیند؛ چنانچه ظهور قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعینه همان ظهور رسول الله هست، ظاهر

نمی شود الا آنکه ثمرات اسلام را از آیات قرآنی که در افیده مردم غرس فرموده اخذ نماید، و اخذ ثمره اسلام نیست الا ایمان به او، و تصدیق به او و حال که ثمره بر عکس بخشید و در بحبوحه اسلام ظاهر شده و کل به نسبت او اظهار اسلام می کنند و او را به غیر حق در جبل «ماکو» ساکن می کنند.»

بر این اساس علی محمد شیرازی معتقد است: هر ظهوری قیامت ظهور قبلی است؛ و شیء تا به مقام کمال نرسد، قیامت آن نمی شود.

بنابراین قیامت دیانت یهود که آن بلوغ و کمال دیانت یهود است، همانا ظهور عیسی بوده است، و قیامت و کمال دین عیسی در ظهورمحمد (صلی الله علیه وآله) و قیامت و کمال دین محمد در ظهور علی محمد شیرازی یا صاحب «بیان» است! و قیامت و کمال دین «بیان» به زعم علی محمد شیرازی و بر اساس سند مذکور در ظهورمن یظهروه الله خواهد بود!

بدین منوال و همانطور که ادوارد براون تصریح کرده است: «در کمال وضوح مستفاد می شود که باب، خود و «من یظهروه الله» را دو ظهورمستقل در ردیف ظهورات سابقه، تصور می کرده است «(۱)، (۲)»

او با آوردن احکام نو و جدید، خود را ناسخ اسلام و احکام اسلام دانسته و کتاب خود «بیان» را، ناسخ قرآن قلمداد کرده است. در واحد دوم باب هفتم «بیان» گوید: و از حین ظهورشجره بیان، الی ما یغرب، قیامت (آخر دین) رسول الله محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است، که در قرآن خداوند وعده فرموده بود، که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰

بعثت می شود، اول قیامت(آخر) قرآن بوده... چنانکه ظهور قائم آل محمد (علیه السلام) بعینه همان ظهور رسول الله است...

او حتی در کتاب «احسن القصص» خود در سوره ۵۲، خود را به جای پیامبر قلمداد کرده و تحدی به مثل نموده، می گوید: (و ان کنتم فی ریب مما قد انزل اللهعلی عبدنا هذا فاتوا حرف من مثله) و اگر در آنچه که خداوند بر بنده ی ما (باب) نازل کرده شک دارید، چند حرف مانند آن را بیاورید.(۳)

ادعای خدائی باب

پرسش: علی محمد باب چگونه ادعای خدایی نمود؟

پاسخ اجمالی: شواهد و مدارک فراوانی از کتاب های علی محمد باب و کتب بابیان و بهائیان وجود دارد که نشان می دهد علی محمد باب ادعای خدائی نیز کرده است. مثلاً او در نامه ای به یکی از مریدانش، خود را خدای زنده و برپادارنده جهان معرفی می کند. یا در کتاب بیان، خود را خدا، پروردگار و خالق همه چیز معرفی می کند و از دیگران می خواهد به عنوان مخلوقات او را بپرستند. یا مثلاً در نامه دیگری از پیروانش می خواهد که به الوهیت خود (باب) به عنوان تنها خدای مقتدر و محبوب شهادت دهد.

پاسخ تفصیلی: شواهد و مدارک فراوانی از کتاب های خود «میرزا علی محمد باب» و کتب بابیان و بهائیان در دست است، که میرزا علی محمد ادعای خدایی نیز کرده است.

در اینجا به چند مدرک ذیل کفایت می شود:

۱. سید علی محمد باب در نامه ی خود به یحیی(۴) (صبح ازل) چنین می

نویسد: (هذا الكتاب من اللهاجی القیوم الی اللهاجی القیوم) این نامه ای است از خدای زنده و برپادارنده جهان (باب) به سوی خدای زنده و برپا دارنده جهان (صبح ازل)».

۲. باب در کتاب «بیان» فارسی می گوید: «کل شیء؛ به این شیء واحد (خودش) بر می گردد و کل شیء؛ به این شیء واحد خلق می شود و این شیء واحد در قیامت بعد نیست، مگر: (من یظهروه الله(۵) الذی ینطق فی کل شان آتی انا لله الا انا رب کل شیء و ان مادونی خلقی ان یا خلقی ایای فاعبدون)(۶) یعنی با آمدن من یظهروه الله قیامت(باب) بر پا خواهد شد (زیرا قیامت هر دینی به قول بابی ها و بهایی ها آمدن دین بعد است) و آن من یظهروه الله وردش این است: من خداهستم و جز من خدایی نیست و من پروردگار همه ی پدیده ها می باشم و غیر من، هر چه هست، آفریده من است، ای مخلوق من، مرا پرستش کنید.

۳. ابوالفضل گلپایگانی در «کشف الغطا» می نویسد: «باب در «ماکو» پرده برداشت و ندای قایمیت و ربوبیت و شاریت سر داد.»(۷)

۴. باب در «رساله ی للثمره» خطاب به میرزا یحیی صبح ازل می گوید: (یا اسم الازل) ازل به حساب ابجد با یحیی مساوی است و شماره هر دو ۳۸ است) فاشهد علی آنه لا اله الا انا العزیز (المحبوب)(۸) ای یحیی! گواهی بده، بر من که نیست خدا جز من که مقتدر و محبوب هستم.

۵. علی محمد باب در کتاب الواح به خط خودش (لوح دوم) می گوید: (اللهم انا اله الالهین لتوتین الالوهیه من تشاء و لتزعن الالوهیه عن تشاء... اللهم انا انت ربان السماوات و الارض و ما بینهما

لَتَوْتِيَنَّ الرَّبُّوِيَّهَ مِنْ تَشَاءٍ وَ لَتَنْزَعَنَّ الرَّبُّوِيَّهَ عَمَّنْ تَشَاءٍ) یعنی پروردگارا! تو خدای بزرگ خدایانی و البته عطا می کنی الوهیت را به هر کسی که می خواهی و می گیری الوهیت را از هر که اراده کنی و خداوند تو پروردگار بزرگ آسمان ها و زمینی، البته می بخشی ربوبیت را به هر شخصی که خواستی، و منع می کنی آن را از هر که خواستی.

و در کتاب «دلایل سبعة» عربی و فارسی، پس از آنکه دو صفحه تمام مشتقات فرد را برای خدا آورده و خدا را از اوصاف «فرد» و فرید و افراد و افروود و فراد و فرادین و فاردین و افرادء و مفارد و مفرد و فردان و متفارد و متفرد و فارد و فوارد» متصف کرده، بعد می گوید: (لَتَوْتِيَنَّ الْفَرْدِيَّةَ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَنْزَعَنَّ الْفَرْدِيَّةَ عَمَّنْ تَشَاءٍ) یعنی البته عطا می کنی فردیت را به هر کسی که بخواهی، و می گیری فردیت را از هر که بخواهی.

به راستی عجیب است، خداوند در عین این که فرد است، می تواند فردیت را به کسی بدهد! آری، باب این مطلب متضاد را می گوید تا به ادعای خدای خودش لطمه وارد نیاید که می گوید: (أَنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا كُنْتُ مِنَ الْوَالِدِ لَا أَوْلَ فَرْدًا مَنفَرْدًا...) من همان خدایم، نیست خدایی جز من، من نخستین کسی هستم که اولی برای او نیست، فرد و منفرد هستم. (۹)، (۱۰)

دیدگاه فرقه ی بهائیت، نسبت به زن بهائیت دارند؟

پاسخ اجمالی: بهائیان، ازدواج با همه ی محارم را، جز با زن پدر جایز می دانند و این از کثیف ترین دستورات عمل های بهائیان برای حفظ و ازدیاد نسل خود است. آن ها در صدد هستند همان طور

که در غرب، برخی کشورها این عمل زشت اخلاقی را قانونی کرده اند، در تمام دنیا به صورت اصلی قانونی درآورند. حسین فردوست در خاطرات خود، نمونه های بسیاری از رفتارهای ناهنجار مردان بی بند و بار بهائی همچون هویدا و... را ذکر می کند، و علاوه بر آن نمونه های بسیار دیگری در کتاب هایی مانند «خاطرات صبحی» نقل می شده است.

پاسخ تفصیلی: بهائیان، ازدواج با همه ی محارم را، جز با زن پدر جایز می دانند؛ و این از کثیف ترین دستورات عمل هایی بود، که بهائیان برای حفظ و ازدیاد نسل خود به آن تن داده اند؛ و علاوه بر این، مانند پیشینیان خود، از راه فطرت و اخلاق خارج شده و روابط فاسد و لجام گسیخته و غیر طبیعی را به عنوان امری پذیرفته شده در میان خود قبول کرده اند و مرتکب می شوند، و در صدد آن هستند همان طور که در غرب، برخی کشورها این عمل زشت اخلاقی را قانونی کرده اند، در تمام دنیا به صورت اصلی قانونی درآورند.

با نگاهی گذرا به سیر تاریخی این فرقه و دستورات عمل های مکتوب و منتشر شده آنان، مشاهده می کنیم که این اعمال، از ابتدای حرکت این افراد جاسوس و خود فروخته و غرق در لجن زار هواهای پست نفسانی، یکی از مهم ترین اصول پذیرفته شده آنان بوده است. آنها عقیده داشتند:

«... این ایام، ایام فطرت است و هیچ تکلیفی بر مردم واجب نیفتاده؛ اگر چه در شریعت «باب» یک زن را نه شوهر جایز است، ولی اکنون اگر افزون بخواهد، منعی نباشد؛ و هر یک از جماعت، نامی از انبیاء کبار و ائمه اطهار را بر خویش می نهادند و زنان و دختران خویش را به نام و نشان زنان خانواده ی طهارت می

خواندند؛ هر جا که جمع می شدند، به شرب خمر و منهیات شرعیه ارتکاب می نمودند، و زنان خویش را اجازه می دادند، تا بی پرده به مجلس نامحرمان درآمده، و به خوردن شراب مشغول شوند و سقايت نمایند». (۱۱)

حسین فردوست در خاطرات خود، نمونه های بسیاری از رفتارهای ناهنجار مردان بی بند و بار بهایی همچون هویدا و ... را ذکر می کند، و علاوه بر آن افرادی مانند صبحی نیز، نمونه های بسیار دیگری را در کتاب «خاطرات صبحی» خود نقل می کند.

«قره العین»، زن فاسد و بی عفتی که با گفتار و رفتار فاسدش، نقش موثری در معرفی و جذب افراد منحرف به این فرقه داشت، خطاب به پیروان بایگری گفته است: «ای اصحاب! این روزگار از ایام فطرت شمرده می شود، امروز تکالیف شرعیه به یکباره ساقط است و این صوم (روزه) و صلوه (نماز) و ثنا و صلوات، کاری بیهوده است ... پس زحمت بیهوده بر خویش روا ندارید و زنان خود را در مضاجعت (همخوابگی و همبستری) به طریق مشارکت! بسپارید!». (۱۲)

و البته این جملات از کسی که مرید فرقه ای استعمار ساخته است، بعید نیست؛ چرا که وزارت مستعمرات انگلیس - از موسسان و حامیان فرقه های ضاله - نیز، خطاب به یکی از جاسوسان خود در کشورهای اسلامی می گوید:

«در مسیله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه ی ماموران ماست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و به

این وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند». (۱۳)

بهائیان همچنین با توجه به تاثیر پذیری کودکان و نوجوانان، بیشترین تلاش تبلیغی خود را بر روی این نسل متمرکز کرده اند، و لجنه های گلشن توحید، با احداث مهد کودک ها و مدارس و ترتیب دادن اردوهای تبلیغی، کودکان و نوجوانان را به خود جذب می کنند.

آنها همچنین به بهانه ی صلح و شعار تساوی زن و مرد، زنان را در تمام عرصه ها به عنوان عروسک های خیمه شب بازی، که سرخ آنان دست صهیونیست ها است، به روی صحنه آورده و می خواهند به وسیله ی آنان، صلحی منطبق بر نظم نوین و تک قطبی جهانی برقرار سازند. «عبدالبهاء» در یکی از مطالب خود می نویسد:

«... و چون نسوان در عالم انسانی نفوذ و تاثیر کلی یابند، از جنگ محققاً جلوگیری نمایند... نفرت و انزجار آنان نسبت به جنگ، باید برای استقرار و حفظ صلح عمومی مورد استفاده قرار گیرد». (۱۴)

و البته بهترین و موثرترین کار زنان، نقش تبلیغی آنان است: «ای اماء رحمن، محفلی... آرایش دهید و در آن محفل به کمال حکمت در اوقات مخصوصه، مجتمع شوید و به ذکر آن یار مهربان مشغول گردید، و مذاکره در ادله و براهین ظهور جمال مبین فرمایید، تا هر یک از اماء رحمن نطقی بلیغ یابند و لسانی فصیح بگشایند و سبب هدایت اماء کثیره گردد و علیکن التحیه و الثناء...». (۱۵)

با توجه به آثار منتشره بهائیان مشاهده می شود که آنان دنباله رو فرقه ی استعماری وهابیت هستند که با تلقین جاسوس انگلیسی، مستر همفر، و حمایت

های قوای نظامی و مالی انگلیس ایجاد شد.

حضرت امام (رضوان الله علیه) سالها پیش، از این هماهنگی پرده برداشته و می فرمایند: «یک حقایقی در کار است، شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال از این بهایی ها مراجعه کنید، در آنجا می نویسند: تساوی حقوق زن و مرد رای عبدالوهاب، آقایان هم از او تبعیت می کنند... نظامی کردن زن، رای عبدالوهاب، آقا تقویمش موجود است، نگویید نیست...». (۱۶)، (۱۷)

پی نوشت:

- ۱). نقطه الکاف، ص ۲۳.
- ۲). بهائیان، نجفی، محمد باقر، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۶
- ۳). گرد آوری از کتاب: بهائیان، نجفی، محمد باقر، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۶؛ بابی گری و بهایی گری (مولود مدعیان دروغین نیابت خاص از امام زمام(عج))، محمدی اشتهاردی، محمد، گلستان ادب، قم، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳۵
- ۴). اصل این نامه را ادوارد براون انگلیسی ضمیمه ی کتاب نقطه الکاف کرده است.
- ۵). باب پیغمبر یا خدائی را که بعد از او خواهد آمد را من یظهره الله می نامد و حسینعلی مدعی است که منظور از من یظهره الله من هستم.
- ۶). بیان، باب اول، واحد یک.
- ۷). کشف الغطاء، ص ۳۴۱، سطر ۲۰.
- ۸). رساله للثمره، ص ۴.
- ۹). محاکمه و بررسی باب و بهاء، ج ۳، ص ۸ و ۲۵۶.
- ۱۰). گرد آوری از کتاب: بابی گری و بهایی گری (مولود مدعیان دروغین نیابت خاص از امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف))، محمدی اشتهاردی، محمد، گلستان ادب، قم، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۱۱). فتنه ی باب، ص ۱۴.
- ۱۲). تاریخ جامع بهائیت، ص ۱۱۴.
- ۱۳). خاطرات مستر همفر، ص ۸۴.
- ۱۴). مقام و حقوق زن در دیانت بهائی، ص ۹۲.
- ۱۵). همان، ص ۱۴۶.
- ۱۶). صحیفه ی نور، ج ۱، ص ۵۶.
- ۱۷). سایه روشن های بهائیت در ایران، دفتر پژوهشهای موسسه کیهان، کیهان، تهران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۷.

مقاله علمی

اختیارات ولی فقیه

پرسش: ولایت بر مال غایب در صورت فقدان ولی به عهده چه کسی است؟

پاسخ: در صورت نبودن ولی، ولایت بر مال شخص غایب با حاکم شرع یا کسی که حاکم شرع تعیین کرده است می باشد بلکه در صورت وجود ولی نیز احتیاط واجب اجازه گرفتن از حاکم شرع است.

حکم حکومتی برای مقلدین مراجع دیگر

پرسش: در صورتی که در زمینه سیاسی یا اجتماعی حکمی از جانب رهبری جهت عامه شیعیان صادر شود آیا برای مقلدین دیگر مراجع تکلیف می آورد؟ در زمینه های دیگر چطور و چرا؟

پاسخ: در مسایل حکومتی حکم ولی فقیه مطاع است.

تقابل امر شوهر با امر ولی فقیه

پرسش: اگر امر شوهر در تقابل با امر ولی فقیه قرار بگیرد اطاعت از کدامیک لازم است؟

پاسخ: در مسئله مربوط به حکومت باید از ولی فقیه پیروی شود.

تبعیت از حکم حکومتی ولی فقیه

پرسش: آیا تبعیت از حکم حکومتی ولی فقیه بر مراجع تقلید هم واجب است؟

پاسخ: آری، واجب است.

رابطه حکم حکومتی با احکام اولیه و ثانویه

پرسش: رابطه حکم حکومتی با احکام اولیه و ثانویه چیست؟ آیا احکامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی زمان خود، و همچنین نصب افراد به مناصب مختلف حکومتی صادر می کردند، از مصادیق احکام حکومتی است؟

پاسخ: آنچه در بالا نوشته اید از احکام

حکومتی است، و احکام حکومتی عموماً به یک کبرای کلیه، که در زمره احکام عناوین اولیه یا ثانویه است، باز می گردد. به تعبیر دیگر، احکام حکومتی در طول احکام اولیه و ثانویه است، نه در عرض آنها.

ترجیح نظر ولی فقیه بر نظر دیگر مراجع

پرسش: آیا نظر ولی فقیه در مسائل شرعی بر نظر سایر فقها ترجیح دارد؟ در این صورت، تکلیف مقلد چیست؟

پاسخ: در مسایل مربوط به حکومت از نظر ولی فقیه، و در مسایل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می شود.

تحقیقی یا تقلیدی بودن ولایت فقیه **پرسش:** ولایت فقیه تحقیقی است یا تقلیدی؟

پاسخ: برای کسانی که مجتهد باشند تحقیقی است و برای کسانی که مجتهد نیستند تقلیدی است.

پیروی از ولایت فقیه

پرسش: در مورد ولایت فقیه چگونه باید عمل کرد؟

پاسخ: در مسایلی که مربوط به حکومت است باید پیروی از ولایت فقیه بود.





ده یادآوری مهم آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه) در دیدار با رئیس جمهور

مردم در نامه ها و ملاقات های خود با ما نگرانی هایی دارند که من میل دارم ده مورد آن را برای جنابعالی منعکس کنم تا ان شاءالله روی آن تأکید بیشتری داشته باشید:

۱. متأسفانه هنوز بسیاری از واحدهای تولیدی راه نیفتاده و می دانیم بدون تکیه بر تولید داخلی اقتصاد مقاومتی صورت نمی گیرد و اصولاً کل مسائل اقتصادی زیر سؤال می رود.
۲. باید بازرسی ها جامع تر و گسترده تر باشد تا تخلفاتی مانند آنچه در بیمه صورت گرفت که همه را متحیر ساخت صورت نگیرد و افرادی ده ها میلیون تومان در ماه حقوق بگیرند در حالی که بیمه بدهی خود را به پزشکان و بیمارستان ها نپرداخته باشد.
۳. واردات بی رویه تولیدکنندگان را ناراحت کرده و معتقدند تا جلوی این کار گرفته نشود تولید داخلی جان نخواهد گرفت.
۴. مردم از بیکاری فراوان موجود نگرانند چرا که بیکاری سرچشمه انواع ناهنجاری های اجتماعی است.
۵. متأسفانه جناح ها همچنان جناحی فکر می کنند و ای بسا منافع جناح خود را بر منافع کشور و مردم مقدم می دارند.
۶. می دانیم آمریکایی ها بخش مهمی از تعهدات خود را عمل نکرده اند باید مرتباً از آنها مطالبه کرد که اگر طلبکاری نکنیم بدهکار خواهیم شد.
۷. عده ای از مردم نسبت به مالیات هایی که عادلانه نیست مانند بخش هایی از مالیات بر ارزش افزوده شکایت دارند.
۸. یارانه ها مخصوص گروه آسیب پذیر و نیازمند جامعه گردد و در شرایط فعلی متأسفانه مبالغ سنگینی هزینه افرادی می شود که به آن نیازی ندارد و کارهای تولیدی گرفتار مشکل می گردد.
۹. در مقابل زیاده خواهی های آمریکا باید محکم ایستاد اگر محکم نایستیم یک روز نوبت وسائل دفاعی ما می شود، و خواهان تعطیل آن هستند، روز دیگر مسأله حقوق بشر را بهانه می کنند و سرانجام به رسمیت شناختن اسرائیل را پیشنهاد خواهند کرد. آنها دائماً به دنبال بهانه ای هستند و همه بهانه ها برای این است که ایران تبدیل به قدرتی در منطقه و در جهان شده است.
۱۰. مسائل فرهنگی و مفساد سایت ها و شبکه های اجتماعی بود باید جدی گرفته شود. آنها از یکسو به تمام مقدسات ما توهین می کنند و زشت ترین سخنان را درباره خدا و پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام و مسئولین نظام منتشر می سازند، و از یکسو ارادال و اوباش را تشویق به کارهای خلاف خود می کنند و سرانجام با برنامه های بسیار مستهجن نه تنها در امر حجاب بلکه در همه چیز برای از هم پاشیدن خانواده ها و تضعیف روحیه دشمن ستیزی جوانان تلاش دارند.